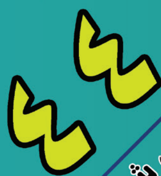


سال هشتم، شماره اول

ربیع الاول و ربیع الثانی ۱۴۴۲ قمری

عقرب و قوس ۱۳۹۹ شمسی

نوامبر و دسامبر ۲۰۲۰ میلادی



مجلهٔ حقیقت

- رژیم کابل و بُغرنج فساد اداری در افغانستان
- اهداف ارگ از تبدیل مساجد به مکاتب
- مصاحبهٔ اختصاصی مجلهٔ حقیقت با محترم مولوی اسد افغان مسئول بخش سمعی و بصری کمسیون فرهنگی
- د شهید وحید مژده لومړی تلین
- چرا طالب شدم؟







فهرست مضامین

- سرمقاله..........۰۱/
- متن سخنرانی الحاج ملا برادر آخند در کنفرانس ویدئویی مرکز مطالعات منازعات و مسائل بشری....۰۲/
- بدترین وضعیت بهترین امت؛ دلائل و راهکارها..........۰۶/
- مصاحبهٔ اختصاصی با محترم مولوی اسد افغان صاحب..........۰۸/
- رژیم کابل و بُغرنج فساد اداری در افغانستان..........۱۲/
- امارت اسلامی، بازتاب‌دهنده دین و سیاست..........۱۵/
- نیروهای (به اصطلاح) امنیتی و دفاعی افغان به خاطر چه کشته می‌شوند؟..........۱۶/
- اهداف ارگ از تبدیل مساجد به مکاتب..........۱۸/
- چرا طالب شدم؟..........۲۰/
- ارزش خون انسان!..........۲۲/
- د شهید وحید مژده لومړی تلین..........۲۴/
- زنان و نقش برجسته‌شان در جهاد..........۲۶/
- سرپرستی خانوادهٔ شهدا..........۲۷/
- هنگامه طلوع..........۲۸/
- موترسیکلان زنده باد!..........۳۰/
- زن در نظام اسلامی و جمهوری سیکولار (بخش دوم)..........۳۲/
- پدیده زشت دشنام و بدزبانی..........۳۴/
- ملا منان د اکبر خان او ایوب خان پر پلونو..........۳۶/
- به سوی ارزگان (قسمت پنجم و اخیر)..........۳۸/
- پرسش‌ها و پاسخ‌های شرعی (بخش دوازدهم)..........۴۰/
- صفحه ویژه شیربچه‌های هندوکش (بخش چهاردهم)..........۴۲/
- زندگان جاوید (بخش بیست و سوم)..........۴۴/
- پیام‌ها و اعلامیه‌های رسمی امارت اسلامی افغانستان..........۴۷/
- شعر و ادب..........۵۱/

یادآوری: مجله در ویرایش و تصحیح مطالب نویسندگان دست باز دارد.

مطالب نشرشده در «حقیقت» انعکاس دهندهٔ آراء و نظریات نویسندگان آن مطالب است.

ادارهٔ مجله بدون سرمقاله مسئولیت هیچ مطلب دیگر را برعهده نمی گیرد.

سرمقاله



خیر و صلاح کشور در صلح با منطق است

درحالی‌که مذاکرات در دوحه پایتخت کشور قطر جریان دارد و تیم‌های مذاکراتی مشغول رایزنی و یافتن راه‌حل درست و منطقی برای نجات کشور هستند؛ دنیا اخلاص و توانمندی مجاهدین امارت اسلامی را با چشم سر مشاهده کرد که مجاهدین امارت اسلامی تا چه حد اهل گفتمان، منطق و بینش سیاسی بوده و تا چه اندازه متعهد به اصول اخلاقی و تعهدات هستند تا جائیکه به خاطر منافع علیای کشور سعی در رفع چالش‌ها داشته و با صبر، متانت، شجاعت و حوصله‌مندی قضایای کشور را در موارد مختلف زیر بحث و غور گرفته و با پشتکار تمام جریان‌ها را به بحث و تبادل نظر گرفته و می گیرند.

هرچند طبق تعهد دوحه باید مذاکرات روند سریع‌تر را طی می‌کرد و تاکنون به نتایج بهتر منجر می‌شد و به قضایای مهم‌تر کشور پرداخته شده و مطابق با تحولات گام برداشته می‌شد اما متأسفانه ادارۀ کابل که از بدو امر ساز مخالف کوک کرده بود تا اکنون همان‌گونه رفتار کرده و مشکلات عدیده در پیرامون پیشرفت مذاکرات ایجاد نمود؛ مشکلاتی مثل مخالفت صریح با پیمان در نخست و سپس مخالفت با مواد آن و بعدازآن هم ایجاد مزاحمت و مشکلات در روند کاری پیمان؛ مثل رهایی ۵۰۰۰ زندانی مجاهدین که ادارۀ کابل حسب عادت همیشگی خود در چندین نوبت مخالفت خود را صریحاً اعلان کرد اما ازآنجاکه امارت اسلامی با امریکا به توافق رسیده بود و مطابق با آن باید عمل می‌شد مخالفت‌های آنی و گاه احساساتی و پریشان‌حالی ادارۀ کابل گاه سبب می‌شد ماه‌ها سلسلۀ رهایی زندانیان متوقف بماند.

بعدازآن که گام مهم (آزادی ۵۰۰۰ زندانی مجاهد) برداشته شد امارت اسلامی خیلی سریع آمادگی خود (مطابق وعدۀ که از قبل داده بود) برای مذاکرات بین‌الافغانی اعلان نمود و در ادامۀ کار اگر در روند مذاکرات، کندی و یا سکتگی ایجاد شد آن‌هم به خاطر نداشتن میکانیزم صحیح و مورد اتفاق از سوی ادارۀ کابل بود؛ یعنی بازهم این جهت مخالف بود که طبق عادت، مزاحمت کرده و دنیا با چشم سر مشاهده کرد که چه کسانی در روند صلح اختلال ایجاد می‌کند و چه کسانی واقعاً به گونۀ عملی و صادقانه به دنبال تحقق صلح واقعی در کشور خود هستند.

بعد از شروع مقدمۀ مذاکرات بین‌الافغانی (در ۱۱ سپتامبر ۲۰۲۰) در حضور نهادها و مقامات کشورهای مختلف در سطوح بلند که مشترکاً از پروسۀ مذاکرات استقبال کرده و آن را نقطۀ عطفی برای کشور و آیندۀ افغانستان تلقی کردند؛ متأسفانه بازهم این ادارۀ کابل بود که بر شیوۀ کاری نزدیک به سه ماه چانه‌زنی کرده و آخرسر هم همان‌جا رسیدند که امارت اسلامی از روز نخست در شروع مذاکرات به آن اشاره کرده بود.

اکنون با تحولات جدید در امریکا و شرایط سیاسی و نظامی افغانستان و با در نظرداشتن تعهد صادقانۀ امارت اسلامی به پیمان دوحه، می‌طلبد که تمام جهت‌ها شرایط حاضر را درک کرده و با رعایت اصول برای خاتمۀ اشغال عملی در کشور تلاش کرده و برای نجات از بحران کوشش کنند و به‌جای برجسته‌کردن منافع شخصی، گروهی و حزبی به آرمان والای ملت خویش (که همانا نجات کشور از زیر یوغ استکبار، اقامۀ نظام شرعی و اعادۀ حیثیت و عزت واقعی ملت مظلوم افغانستان است) توجه کرده و به آن احترام بگذارند و آنچه را که امارت اسلامی افغانستان با قربانی و جان‌فشانی‌های فراوان به دست آورده پاس داشته و به‌خاطر مردم و کشور عزیز خود از ماندن در گذشته بیرون شده و با امید به آینده برای ساختن افغانستان آزاد، آباد و آمدن نظام عدالت‌محور و مقدس اسلامی تلاش بکنند.

بدون تردید همان‌گونه که مجاهدین امارت اسلامی از اوایل آغاز مذاکرات با آمریکایی‌ها تا شروع مذاکرات بین‌الافغانی با تقسیم‌بندی معضلۀ افغانستان به دو بُعد خارجی و داخلی؛ پس از آنکه موفقانه بُعد خارجی قضیه را حل کردند اکنون بدون مداخلۀ خارجی‌ها بُعد داخلی قضیه را نیز حل‌وفصل می‌توانند و این مهم دور از دسترس نیست درصورتی‌که جهت مقابل واقعاً به درک درست از وضعیت مجاهدین امارت اسلامی و مشکلات کشور خویش برسد.

متن سخنرانی معاون سیاسی امارت اسلامی

الحاج ملا برادر آخند

در کنفرانس ویدئویی مرکز مطالعات منازعات و مسائل بشری

بسم الله الرحمن الرحیم

نحمده و نصلي على رسوله الكريم، اما بعد:

پیش از همه به اشتراک کنندگان این نشست خوش آمدید می‌گویم و خرسندم که برای بحث و تبادل نظر به هدف حل مشکلات کشور عزیز ما افغانستان گرد هم آمده‌ایم.

صلح و اهمیت آن:

صلح نیاز اساسی هر جامعه است. زندگی آرام و توسعه اقتصادی، تعلیمی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی بدون صلح امکان‌پذیر نیست.

صلح تنها به شعار نمی‌آید، بلکه به اراده و عمل نیاز دارد.

صلح زمانی از بین می‌رود که حق آزادگی مردم سلب شود.

تعهد امارت اسلامی به صلح:

امارت اسلامی افغانستان از ابتدا به صلح متعهد بوده و همواره خواهان حل مشکلات از راه گفتگو بوده است.

در ذیل به گونه مختصر به دلایلی اشاره می‌کنم که بیانگر تعهد امارت اسلامی به صلح است.

دفتر سیاسی در قطر:

رهبری امارت اسلامی افغانستان توسط دفتر سیاسی قطر برای حل مشکلات کشور سعی نموده است. این دلیل تعهد امارت اسلامی به صلح است.

پیمان دوحه با ایالات متحده امریکا:

امارت اسلامی با ایالات متحده امریکا پس از بحث‌های طولانی در دوحه به توافق رسید. بر مبنای این توافقنامه، تمام قوای خارجی در مدت تعیین شده از افغانستان خارج می‌شوند و امارت اسلامی تعهد نموده است که خاک افغانستان بر ضد امنیت هیچ کشوری استعمال نمی‌شود که این خود زمینه عملی برای صلح دائمی در افغانستان را مساعد می‌سازد.

آغاز مذاکرات با جهت‌های بین‌الافغانی:

امارت اسلامی به اساس توافقنامه دوحه و به هدف حل معضل کشور به مذاکرات بین‌الافغانی آغاز کرد که هنوز جریان دارد. امید است مشکلات کشور ما حل شود و مردم و کشور ما نظام مستقل، افغان شمول و اسلامی داشته باشند.

تأخیر شش‌ماهه در مذاکرات بین‌الافغانی:

به اساس توافقنامه دوحه، باید مذاکرات بین‌الافغانی به تاریخ ۱۰ مارچ ۲۰۲۰ آغاز می‌شد؛ اما جانب مقابل مذاکرات را با بهانه‌های مختلف تا شش ماه با تأخیر مواجه ساخت. اگر مذاکرات به تاریخ تعیین‌شده آغاز می‌شد، اکنون شاهد پیشرفت زیادی می‌بودیم.

این نه‌تنها سبب تأخیر در پروسه صلح شد، بلکه در این مدت هزاران نفر از سوی جهت مقابل کشته شدند و مردم تلفات دیدند. حال این است امارت اسلامی افغانستان با آنکه برای آزادی و استقلال ملت خود جهاد می‌کند، به حفاظت جان و مال مردم ملکی نیز جداً توجه کرده و می‌کند. در این مورد چند گام‌های عملی که قابل یادآوری است، قرار ذیل است:

مطابق با هدایت عالی‌قدر امیرالمؤمنین حفظه‌الله:

ایجاد کمیسیون ویژه برای جلوگیری از تلفات ملکی در تشکیلات امارت اسلامی

اعزام هیئت‌ها به صفوف امارت اسلامی تا رویدادهای احتمالی تلفات ملکی را بررسی نموده و مرتکبین آن را به محاکم بسپارند.

امارت اسلامی بارها عملیات‌های بسیار مهم را به سبب احتمال تلفات ملکی به تعویق انداخته است، اما نیروهای خارجی و اداره کابل هنوز هم مشترکاً بر خانه‌های مردم ملکی یورش می‌برند، بمباردمان می‌کنند و همچنان اداره کابل در مناطق ملکی از اسلحه سنگین استفاده می‌کند.

وضعیت فعلی مذاکرات بین‌الافغانی:

مذاکرات بین‌الافغانی به تاریخ ۱۲ سپتمبر ۲۰۲۰ آغاز شد. در این مورد پیشرفت هم شد و موضوع طرزالعمل نهایی شد. این گام خوبی برای کامیابی پروسه جاری صلح پنداشته می‌شود، قابل یادآوری است که امارت اسلامی از طرف خود باکمال آمادگی و صداقت اراده دارد که مشکلات را از راه گفتگو حل نماید.

موانع موجود بر سر راه صلح:

لیست سیاه:

از روی توافقنامه، موضوع لیست سیاه باید تا اکنون تا حد زیادی حل می‌شد، زیرا پروسه صلح و لیست سیاه دو مفهوم متضادند. چگونه امکان دارد که یک طرف مذاکرات در لیست سیاه بوده و با تحریم‌های سفری مواجه باشد، اما جانب مقابل آزاد از هرگونه قیودات، نقل و حرکت بتواند. تمام بزرگان و نمایندگان امارت اسلامی نیز باید همانند دیگران آزادانه رفت‌وآمد بتوانند. این بنا بر اصول جهانی نیز حق ثابت انسانی است.

موضوع زندانیان باقی‌مانده:

هنوز هم هزاران بندی‌های امارت اسلامی در زندان‌ها هستند. برای صلح و کاهش دادن فاصله بین هر دو طرف، باید جانب مقابل آن افغان‌های را رها کند که مجاهدین امارت اسلامی هستند و یا به اتهام وابستگی با مجاهدین گرفتار شده‌اند. به اساس توافق‌نامه دوحه، باید روند رهایی زندانیان باقی‌مانده تا اکنون تکمیل می‌شد.

قابل یادآوری است که توافق‌نامه دوحه یگانه راه‌حل جامع برای آمدن صلح به افغانستان است و مسئولیت دوام جنگ افغانستان به دوش کسانی است که در راستای تطبیق توافق‌نامه دوحه موانع ایجاد می‌کنند.

تبلیغات زهرآگین:

از روزی که مذاکرات بین‌الافغانی آغاز شده، مقامات اداره کابل به تبلیغات گسترده‌ی زهرآگین در برابر صلح پرداخته‌اند و تمام جهان شاهد این واقعیت است. این‌گونه تبلیغات زهرآگین پروسه صلح را با مشکل مواجه می‌سازد.

حملات بر مراکز دینی و تعلیمی، اختطاف‌ها، کشتارهای هدفمند و سایر جنایات با همکاری استخباراتی اداره کابل انجام می‌یابد و سپس از آن در برابر امارت اسلامی استفاده تبلیغاتی می‌شود. حمله بر شفاخانه، کورس و پوهنتون در کابل، بمبارد مسجد و مدرسه‌ی حفظ قرآن کریم در تخار، هدف قراردادن فعالان مدنی و خبرنگاران، چند نمونه‌های این واقعیت است. این‌ها گمان می‌کنند با این توطئه‌ها بقای قدرت را تضمین می‌کنند.

برای همه معلوم است که اداره کنونی کابل ممثل اراده ملت افغانستان نیست؛ بنابراین باید جهان با این اداره به حیث نظام ممثل ملت تعامل نکنند. باید برای صلح و ثبات در افغانستان بدون مداخله دست‌های خارجی، بر چنان نظام افغان شمول و مستقل اسلامی توافق شود که نمایانگر ارزش‌های اسلامی و افغانی باشد؛ زیرا

نظام مستقل اسلامی ضامن هرگونه پیشرفت کشور، عدالت اسلامی و وحدت ملی است.

نظام آینده:

امارت اسلامی پس از استقلال کشور در فکر انحصار قدرت نیست، بلکه خواهان نظام افغان‌شمول اسلامی است که همه افغان‌ها در آن جا داشته باشند.
افغان‌ها از چهار دهه به این‌سو، به هدف استقلال کشور و حاکمیت نظام اسلامی قربانی‌های بزرگ جانی و مالی داده‌اند و به این هدف به مساعی خود دوام داده‌اند.
نظام آینده اسلامی باید برای منافع علیای کشور و رفاه ملت خود گام‌های ذیل را بردارد:

خدمت به مردم:

کشور عزیز ما از چهل سال به این‌سو با مشکلات و زحمات بی‌شمار دست و گریبان است. به‌خصوص از بیست سال به این‌سو که نیروهای خارجی بر کشور و ملت ما هجوم آورده‌اند.
نظام آینده با تمام توان خود سعی می‌کند که برای رفاه و سَعادت ملت گام‌های لازم بردارد. امارت اسلامی از بیست سال به این‌سو برای استقلال کشور و ملت مشغول مبارزه است؛ اما بازهم در ساحات زیر کنترول خود امنیت را کاملاً تأمین کرده و هرآنچه برای رسیدگی به مشکلات مردم در توان داشته، انجام داده و می‌دهد.
حال این است که با امارت اسلامی هیچ‌گونه کمکی صورت نمی‌گیرد. ما از جهان و سازمان‌های جهانی و شخصیت‌های ثروتمند امیدواریم که با ملت و کشور ما چنان همکاری‌های لازم نمایند که شفافیت و عدالت در آن تأمین شده باشد و این زمانی ممکن می‌شود که با هماهنگی امارت اسلامی انجام یابد. امارت اسلامی در این مورد آماده هرگونه همکاری است.

دارایی ملی:

یکی از مسئولیت‌ها و فراهم نمودن خدمات به ملت، ایجاد و نگه‌داری تأسیسات عام‌المنفعه است. امارت اسلامی دارایی ملی کشور عزیز مثلاً پل‌ها، تونل‌ها، بندهای آب، کوت‌های برق، مراکز انتقال برق، معادن، ادارات تعلیمی، مدارس، مساجد، مکاتب، پوهنتون‌ها، مراکز صحی، شفاخانه‌ها و دیگر اماکن عام‌المنفعه و زیربناها را مال مشترک ملت دانسته و استفاده سالم و فنی از آن به هدف رفاه ملت را وجیبه خود می‌داند.

حقوق زنان:

نظام اسلامی باید حقوق همه شهروندان را مصون بسازد که یکی از آن حقوق زنان است. اسلام برای زنان همه حقوق اساسی مثلاً حق تعلیم، کار، ملکیت، تجارت، امنیت، صحت و زندگی را داده است. رسول‌الله صلی‌الله علیه و سلم در آخر زندگی خود در مورد روش خوب با زنان توصیه نموده است.

زنان در افغانستان بر اثر اشغال، با مشکلات زیادی دست و گریبان شده‌اند. در نزده سال گذشته، صدها ملیارد دالر به افغانستان آمد؛ اما هنوز هم بر اثر نبود مراکز صحی و استعمال اسلحه کیمیاوی، زنان و کودکان با مشکلات فراوان مواجه هستند.

متأسفانه، به بهانه‌ی حقوق زنان برای ترویج بداخلاقی و کلتور غیراسلامی کار شده است. تشویق زنان برای پامال ساختن عنعنات افغانی چیزی دیگری است که بر جامعه افغانی تحمیل شده است. رویدادهای چشمگیر خشونت در برابر زنان، چیزی است که در زمان حاکمیت امارت اسلامی وجود نداشت. امارت اسلامی درباره حقوق زنان پالیسی واضح و جامع دارد. حقوق زنان در چوکات ارزش‌های اسلامی و افغانی باید به‌گونه‌ای مصون شود که هم حقوق مشروعشان زیر پا نشود و هم کرامت انسانی، اسلامی و افغانی به‌جا باشد. امارت اسلامی برای محو رواج‌های نادرست در برابر زنان متعهد است.

اهمیت جوانان در جامعه:

جوانان سرمایه ارزشمند هر جامعه هستند. بیش از نصف جمعیت افغانستان را جوانان تشکیل می‌دهند که به دانش و آموزش‌های مسلکی مجهزند. جوانان از ابتدا تا اکنون اکثریت مسئولین و موظفین تشکیلات امارت اسلامی را تشکیل می‌دهند. امارت اسلامی بر تربیه سالم و مسلکی جوانان باور دارد. همین جوانان هستند که در پیشرفت و توسعه‌ی افغانستان آینده و مستقل نقش مهم ایفا می‌نمایند. امارت اسلاَمی برای ارتقای ظرفیت جوانان و مساعد ساختن فرصت‌های کاری برای آن‌ها امکانات موجود را به کار می‌اندازد و در این مورد جلب سرمایه‌گذاری و همکاری‌ها را مسئولیت خود می‌داند.

رسانه‌ها و آزادی بیان:

رسانه‌ها و مطبوعات از روی رسالت اصلی‌شان مسئولیت دارند که افکار عامه را به‌سوی مثبت سوق بدهند، نقایصشان را تشخیص بدهند و حقایق را به مردم برسانند. امارت اسلامی بر اهمیت و ضرورت رسانه‌ها باور دارد و وسیله خوب برای اصلاح، آگاهی و حفظ منافع علیای جامعه می‌داند. البته، آزادی بیان باید در تصادم با اصول اسلامی و منافع ملی نباشد.

جلوگیری از مواد مخدر:

کشت کوکنار در دوره حاکمیت گذشته امارت اسلامی در افغانستان تقریباً به صفر رسیده بود و گراف افراد معتاد در بین افغان‌ها تقریباً به نیست رسیده بود؛ اما زیر چتر اشغال ۱۹ ساله، اکنون شمار معتادان در افغانستان تقریباً به چهار ملیون نفر رسیده که بخشی از آن کودکان و زنان‌اند.

امارت اسلامی می‌خواهد جلو کشت، استعمال و قاچاق مواد مخدر گرفته شود و در افغانستانِ آینده به کمک و هماهنگی کشورها و سازمان‌های جَهان، با فراهم نمودن اقتصاد بدیل باید کشت کوکنار تدریجاً به صفر پایان آورده شود.

سیاست خارجی:

۱: روابط سیاسی: امارت اسلامی می‌خواهد با توجه به مصالح علیای کشور، با کشورهای جهان به‌خصوص همسایه‌ها بر مبنای تعامل متقابل روابط مثبت داشته باشد.

در چوکات عدم آغازگری، به‌جای رقابت‌های منفی، خواهان گسترش روابط مثبت و متوازن است.

امارت اسلامی افغانستان هیچ آجندای خارجی ندارد. ما در امور دیگر کشورها مداخله نمی‌کنیم و نه دیگران را اجازه می‌دهیم که در امور ما مداخله کنند.

امارت اسلامی در روشنی اصول شرعی و منافع ملی به اصول بین‌المللی متعهد است. ما نمی‌خواهیم کشور ما میدان رقابت‌های ناسالم منطقه و جهان باشد، بلکه به حیث کشور مستقل، آزاد و قوی خواهان حل قضایای منطقه و جهان و به‌خصوص کشورهای اسلامی است.

۲: روابط اقتصادی: افغانستان به سرمایه‌گذاری دیگر کشورها نیاز دارد و طبعاً آماده این کار است؛ زیرا کشور ما به اعتبار موقعیت جغرافیایی نقطه وصل بین کشورهای آسیای جنوبی و آسیای میانه است. ما می‌خواهیم که افغانستان در منطقه با سایر کشورها روابط قوی اقتصادی داشته باشد.

۳: کمک‌ها و روابط بشری: امارت اسلامی به امنیت کشورهای بشردوست، سازمان ملل، مؤسسات جهانی، تاجران ملی و دیگر نهادهای بشری متعهد است و آنان را دعوت می‌دهد که کمک‌هایشان را از روی همدردی بشری در تمام ساحات کشور به مردم مستحق برسانند؛ اما با تأسف باید بگوییم که در دو دهه گذشته ملیاردها دالرهای که بنام کشور و ملت آمده بود به سبب فساد و عدم شفافیت اداره کابل به مستحقان نرسیده است. امارت اسلامی بر نهادهای جهانی بشری صدا می‌کند که با افغان‌ها کمک نمایید و برای توزیع شفاف و عادلانه آن با امارت اسلامی هماهنگی کنید.

عرصه صحی:

امارت اسلامی کمیسیون ویژه‌ای برای امور صحی دارد و خدمات صحی و کارکنان عرصه صحی را بی‌طرف می‌داند. امارت اسلامی با مؤسسات جهانی صحی مثلاً صلیب سرخ، ایمرجنسی و داکتران بدون مرز تفاهم دارد و به حد توان سعی نموده است که در ساحات خود شفاخانه‌ها و کلینیک‌ها را اعمار نموده و پرسنل آن را آماده و تربیه کرده است.

امارت اسلامی به مجاهدین هدایت نموده است که امنیت کارکنان عرصه‌های صحی و تعلیمی را تأمین کنند. امارت اسلامی یک‌بار دیگر بر ادارات کمک‌کننده صحی جهان صدا می‌کند که با ارج‌گذاری به حقوق بشری، به همگان خدماتِ یکسان فراهم نمایند.

در اخیر، یک‌بار دیگر تأکِید می‌کنم که امارت اسلامی افغانستان بر اساس پیمان دوحه به دوام مذاکرات بین‌الافغانی متعهد است و بر این نظر است که این پیمان راه‌حل جامع برای معضل جاری افغانستان است و تمام جهت‌ها باید بر آن التزام داشته باشند.

در پایان، از تمام اشتراک کنندگان و به‌ویژه از تنظیم‌کنندگان این سپاسگزارم که نظر ما را در مورد وضعیت کنونی افغانستان با توجه شنیدند.

به امید افغانستان آزاد، مستقل و آرام.

(با تشکر از الاماره دری)

بدترین وضعیتِ بهترین امت؛

دلائل و راهکارها



مولانا امدادالحق بختیار قاسمی
استاد جامعه اسلامیه دارالعلوم حیدرآباد- هند
ترجمه: معاویه حیدری

اگر نگاهی گذرا بر وضعیت تمام مسلمانان جهان انداخته شود، میانمار باشد یا سوریه، فلسطین باشد یا افغانستان، افریقا باشد یا امریکا، عراق باشد یا یمن، در هر کشور و هر گوشه از دنیا مسلمانان بدترین روزهای تاریخ امت را می‌گذرانند، تمام کره زمین از خون مسلمانان رنگین شده است، در هر گوشه از کره خاکی صدای آه و ناله مسلمانان به گوش می‌رسد، در این دوره از ظلم و ستم، خون مسلمان ارزان‌ترین و بی‌ارزش‌ترین شیء است و متأسفانه هیچ صدای برای همدردی و حمایت از مسلمانان مظلوم بلند نمی‌شود.
حکومت، ملک و جمع مسلمانان در هر گوشه از جهان طبق نقشه و برنامه منظم و سازمان‌دهی شده مورد هدف قرارگرفته، چنین به نظر می‌رسد که تمام اقوام و ملل جهان علیه امت مسلمه متحد شده‌اند.
جان و مال، آبرو و عزت و دین و ملت مسلمانان تحت‌فشار هستند، منابع اقتصادی نیز از تیررس دشمنان خارج نیست، جانشان درخطر است، عزت و آبرویشان پایمال‌شده و دین و مذهب مانند خاری در چشم بیگانگان است، تمام اقوام و ملل جهان یک‌صدا گشته و تروریسم را به اسلام و مسلمانان نسبت داده‌اند، به همین دلیل مسلمانان با نگاهی مشکوک دیده می‌شوند حتی که مورد آزار جنسی نیز قرار می‌گیرند.
ازیک‌طرف بدترین وضعیت امت مسلمه در تمام جهان است که کاملاً واضح و عیان است که در این زمان بیشتر از مسلمانان دیگر هیچ قومی مصیبت‌زده، پریشان، بدنام و عقب‌افتاده نیست. از طرفی دیگر در قرآن کریم می‌بینیم که خداوند متعال می‌فرماید: «كُنتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ» {شما بهترین امت هستید} یعنی بهترین امت جهان هستید درحالی‌که بهترین امت، به امتی گفته می‌شود که در جهان باعزت و احترام نگریسته شود و دیگر اقوام آن را الگو قرار دهند و از آن‌ها اطاعت کرده و جذب فرهنگشان شوند و همچنین بهترین امت آن است که زندگی شاد و آرام داشته و از تمام پریشانی‌های دنیوی در امان و محفوظ باشند.
اما ظاهراً هیچ موردی از موارد فوق در امت مسلمه دیده نمی‌شود! در ذهن این سؤال ایجاد می‌شود که مسلمانان چگونه {بهترین امت} هستند درحالی‌که ایمان و عقیده راسخ ما است که در فرمان الله‌تعالی جای هیچ شک و شبهه‌ای نیست، خداوند متعال می‌فرماید: «وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا» ترجمه: (و چه کسی در سخن از خدا رَاستگوتَر است؟) درواقع این جمله که {شما بهترین امت هستید} دعوی محض الله تعالی نیست، بلکه در کنار آن خداوند متعال علت، شرط و وصف «خَيرَ أُمَّة» را نیز بیان داشته است، حال بنگرید که اوصاف بیان‌شدّه در امت باقی مانده یا خیر! واضح است وقتی که شروط بیان‌شده از جانب خداوند در بهترین امت باقی نمانده پس چگونه امت در جایگاه {بهترین} باقی بماند؟!
خداوند متعال در کلام پاک خویش راز {بهترین} امت را چنین بیان فرموده: «أُخرجَت للنّاس» یعنی این امت برای نفع رساندن به دیگران پَدیدارَ شده است. منظور واضح آن، این است که به این خاطر در دنیا فرستاده شده‌اند تا به فکر تمام انسانیت باشند، چقدر مفهوم پرمعنایی دارد و خداوند در یک جمله کوتاه چه مسئولیت بزرگی بر دوش امت قرار داده است، در همین جمله مختصر تمام مسئولیت‌های زندگی بشریت شامل شده است، حال بنگرید که این عنصر و خاصیت و عمل به آن در

امت مسلمه باقی‌مانده یا خیر، این آیه ما را به یک چالش کلی و همه‌جانبه دعوت می‌کند، چالشی که تمام شعبه‌های زندگی را شامل می‌شود.
مفهوم و منظور آیه این است که امت مسلمه برای تکمیل خواهشات و برای زندگی خود پدیدار نشده؛ بلکه خصوصیت امت آن است که برای زندگی و بهبودی تمام اقوام و مخلوقات به وجود آمده است، امتیاز امت مسلمه آن است که به او مسئولیتی بزرگ سپرده‌شده است، مسئولیتی کلی و جامع و آن کامیابی و بهبودی تمام مراحل زندگی بشر است. البته منظور فقط عبادات نیست، بلکه این مسئولیت شامل تمام مراحل زندگی می‌شود، طبق این آیه مسلمانان باید در هر مرحله از زندگی بشریت، راهنما و رهبر آن‌ها باشند و راه درست را به آن‌ها نشان دهند و انسان‌ها را از خسارت و زیان نجات دهند، همچنین در آیه خداوند متعال فرموده: «أُخرِجَت للنّاس» {برای مردم}، نفرموده برای مسلمانان، کهَ مشخَص می‌شود این مسئولیت فقط در قبال مسلمانان نیست بلکه مسئولیت زندگی و کامیابی تمام اقوام عالم بر عهده این امت است و البته مسلَّم است که خدمت و راهنمایی در تمام شعبه‌ها و مراحل زندگی بشریت بدون علم ممکن نیست. پس به‌راحتی نتیجه می‌گیریم که مسلمانان باید تمام علوم و فنون مباح و جایز را کسب کنند چراکه بدون تحصیل علوم، خیرخواهی و راهنمایی بشریت ممکن نخواهد بود، تا زمانی که مسلمانان در میدان تعلیم جایگاه آشکاری به دست نیاورند نمی‌توانند فریضه «خیر امة» را ادا کنند و مسئولیت «اخرجت للناس» از عهده آنان بر نخواهد آمد.
در کنار تحصیل علوم دنیوی به علوم دینی نیز باید توجه شود، چراکه تعلیم اسلامی مسلمانان مانند روح در جسم است، جسم بدون روح یا جسد مرده است به همین صورت مسلمان بدون تعلیم اسلامی هیچ است، مسلمانان باید در این دنیا رهبری و هدایت بشر را انجام دهند، اما نباید در فرهنگ و اجتماع دیگر اقوام غرق شوند تا جایی که اصلیت خود را فراموش کنند، بلکه باید این کار را شناخت اسلام انجام دهند، همان‌طور که هر گروه در دنیا که مشغول خدمت هستند با لباس و ظاهری خاص شناخته می‌شوند، آرم و فرم لباس اختصاصی دارند مانند ارتش که لباس خاصی دارد و وظیفه‌اش تأمین امنیت مردم است، یا دکتران که لباس خاصی دارند و وظیفه‌شان معالجه بیماران است. مسلمانان نیز مانند بقیه ملت‌ها نیستند، بلکه یک ملت مسئولی هستند و مسئولیتشان جامع، کلی و دائمی است. لذا باطن مسلمانان باید با تعلیمات اسلامی،

**** حکومت، ملک و جمع مسلمانان در هر گوشه از جهان طبق نقشه و برنامه منظم و سازمان‌دهی شده مورد هدف قرارگرفته، چنین به نظر می‌رسد که تمام اقوام و ملل جهان علیه امت مسلمه متحد شده‌اند.**

**** در کنار تحصیل علوم دنیوی به علوم دینی نیز باید توجه شود، چراکه تعلیم اسلامی مسلمانان مانند روح در جسم است، جسم بدون روح یا جسد مرده است به همین صورت مسلمان بدون تعلیم اسلامی هیچ است**

اخلاق و عقیده صحیح منور باشد و ظاهرشان هم طبق تعلیمات اسلامی آراسته شود تا بیننده یک مسلمان او را از هر نظر بشناسد، از ظاهر، اخلاق، رفتار و کردار او در هر معامله‌ای مشخص باشد که این شخص یک مسلمان است و باید در دنیا چنان باشند که اهل دنیا در اخلاق و کردار مسلمانان را مثال بزنند، از لباس و ظاهر آن‌ها را تمجید و توصیف کرده و دین و مذهب اسلام را باعزت بنگرند.
خلاصه... طبق این آیه اسباب و دلایل وضعیت بغرنج مسلمانان در این زمانه غفلت و بی‌توجهی و بی‌تدبیری است، درحالی‌که آنان را مسئولیتی داده‌شده که باید به فکر نفع و زیان تمام بشریت باشند ولی آن‌ها حتی خودشان را فراموش کرده‌اند و به فکر زندگی خود نیز نیستند. دلیل دوم این است که مسلمانان در میدان علم و دانش عقب‌مانده‌اند، بدون علم و دانش رهبری و قیادت بشر رؤیایی بیش نخواهد بود! و سبب سوم غفلت در دین است، رابطه مسلمانان با دین بسیار ضعیف گشته و تعلیمات دینی، زندگی اسلامی و اخلاق اسلامی از زندگی آن‌ها محو گشته و به فرهنگ بی‌دینی سایر اقوام جذب شده‌اند.
حال اگر مسلمانان باید به این سه دلایل مذکور بیندیشند و برای آن‌ها اقداماتی مبذول دارند ان‌شاءالله کامیابی و کامرانی آن‌ها مقدور خواهد بود و رهبری بشریت و هدایت جوامع نصیبشان خواهد شد. آن‌ها یک امت قائد گشته و دوباره سربلند خواهد کرد و تمام دنیا با نگاه عزت و احترام به آن‌ها خواهد نگریست، خداوند متعال می‌فرماید: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ» ترجمه: {و سست نشوید! و غمگین نگردید! و شما برترید اگر ایمان داشته باشید!}

مصاحبۀ اختصاصی مجلۀ حقیقت با

محترم مولوی اسد افغان صاحب

مسئول بخش سمعی و بصری در کمسیون فرهنگی امارت اسلامی افغانستان

ترتیب: ابو اسوه حقانی

ازآنجاکه ادارۀ شریف و پرتلاش «سمعی و بصری» از نهادهای مهم کمسیون امور فرهنگی بوده و امسال به شمول خود جناب محترم مولوی «اسد افغان» صاحب (رئیس ادارۀ سمعی و بصری در کمسیون فرهنگی) هیئت‌های فرهنگی بسیاری در کشور در نقاط مختلف غرض دیدوبازدید و عکاسی از صحنه‌های واقعی و حقیقت حال زندگی مجاهدین و مردم رفته بودند؛ ادارۀ مجله مناسب دید تا با محترم مولوی اسد افغان صاحب از نزدیک گفتگویی ترتیب داده و تقدیم نگاه خوانندگان عزیز خود کند تا از مجموعه فعالیت‌های اداره سمعی و بصری و فعالیت‌های فرهنگی در عرصۀ جهاد مقدس جاری معلومات دقیق به دست آید.

اداره:
جناب محترم مولوی صاحب اگر نظر خود را راجع به هیئت‌های اعزامی کمسیون فرهنگی به ولایات مختلف کشور را بیان فرمایید که دراین‌باره تا چه حد فعالیت‌ها صورت گرفت؟

افغان صاحب:
بسم‌الله الرحمن الرحیم
در اول سر باید گفت که تهاجم امریکا به افغانستان تنها تهاجم نظامی نبود بلکه تهاجم فرهنگی و فکری نیز بود؛ امارت اسلامی از همان آوان اشغال مثلی که در سنگرها با سر و جان خود برای قربانی و مبارزه بر ضد اشغال آمادگی گرفتند در سنگرهای فکری نیز کوشش‌های فراوان صورت گرفت؛ طبق تحولات هرگاه رول مجاهدین نظامی قوی‌تر می‌شد طبعاً کمسیون فرهنگی نیز احساس مسئولیت بیشتر کرده و مخصوصاً در بخش سمعی و بصری، امور چاپی و غیره فعالیت‌های خود را گسترش داد؛ امسال حسب نیاز مثل سال‌های قبل هیئت‌های خاص از سوی کمسیون فرهنگی در تیم‌های مختلف در گوشه‌کنار کشور اعزام گردید که ضمن ملاقات، ایجاد هماهنگی بین مسئولین سایر نهادها، اشتراک در مجالس مختلف، ملاقات و دید و بازدید

از صحنه‌های مختلف و خدمات امارت اسلامی هیئت‌هایی اعزام گردید که لله‌الحمد سفرهایشان بسیار مؤثر واقع شد و مواد بسیار مهم برای آگهی و شناخت بهتر از فعالیت‌های مجاهدین به دست آمد.

اداره:

جناب افغان صاحب اهداف عمده از سفرهای ویژه نمایندگان کمسیون فرهنگی به ولایات را مختصراً اگر بفرمائید؟

افغان صاحب:

بله به همه معلوم است که پس از موفقیت‌های مجاهدین در عرصه‌های نظامی و دستاوردهای کلان سیاسی و پیشرفت‌های علمی، فرهنگی، تعلیمی و غیره ملت مسلمان ما بسیار چشم‌انتظار شنیدن حقایق بود که از اوضاع سیاسی واقف شوند، نیز از فعالیت‌های فرهنگی و خدمات تعلیمی مجاهدین آگهی حاصل کنند، همچنین با رفتن به صحنه‌های نزدیک جهادی از زوایای مختلف فعالیت‌های روزمرهٔ مجاهدین در عرصه‌های مختلف مورد ارزیابی قرار بگیرد این‌همه اهداف عمده اعزام هیئت‌های فرهنگی بود که خوشبختانه گفته می‌توانم بسیار موفقانه این سفرها انجام گرفت.

اداره:

افغان صاحب بفرمائید استقبال ملت از هیئت‌های اعزامی کمسیون فرهنگی چگونه بود و شما برای جوانان، نوجوانان، محصلین و سایر اقشار تحصیل‌کرده چه پلان‌هایی روی دست داشتید؟

افغان صاحب:

با آنکه متأسفانه اشغالگران در طول سال‌های اشغال در کنار تهاجمات نظامی خود بر ملت ما که مشکلات جانی و مالی فراوان در پی آورده و بسیاری از مردم مظلوم ما را به مصیبت‌های غیرقابل‌جبران گرفتار کرده و ملت عزیز ما را در غم و مصیبت‌ها انداخت اما بدتر با انتشار فیلم‌ها، ویدئوهای غیراخلاقی و راه‌اندازی صدها شبکهٔ رادیویی و تلویزیونی هجوم گسترده فرهنگی برده بودند با آن‌هم لله‌الحمد چون ملت ما ذاتاً مسلمان و با سرشت ایمانی پیوند عمیق دارد با دیدن نمایندگان و هیئت‌های اعزامی بسیار استقبال گسترده و شاندار

ما در گردهمایی‌های مختلف سعی داشتیم تا جوانان خود و اقشار تحصیل‌کرده را از اهداف شوم و پشت پردهٔ دشمنان بهتر آگاه کرده ذهنیت‌های که سرشان تلویزیون‌های ادارهٔ کابل سال‌ها کار کرده و ممکن بعضی‌هایشان را متأثر ساخته بود را با بیان حقایق تنویر کرده و از حقیقت حال آگاه نموده و برایشان وضاحت‌های ما بسیار جالب و جذاب بوده و کاملاً معلوم بود که تشنهٔ شنیدن حقایق بودند.

نمودند در اجتماعات شرکت کرده و هرگاه کتاب‌ها، مجلات و سایر بخش‌های چاپی را می‌دیدند در گرفتن کتاب و مجله که نام و نشان امارت اسلامی داشت از همدگر سبقت می‌گرفتند و این‌همه نشان‌دهندهٔ علاقه‌مندی خاص آن‌ها به امور چاپی و مطبوعاتی بود.

ضمناً ما در گردهمایی‌های مختلف سعی داشتیم تا جوانان خود و اقشار تحصیل‌کرده را از اهداف شوم و پشت پردهٔ دشمنان بهتر آگاه کرده ذهنیت‌های که سرشان تلویزیون‌های ادارهٔ کابل سال‌ها کار کرده و ممکن بعضی‌هایشان را متأثر ساخته بود را با بیان حقایق تنویر کرده و از حقیقت حال آگاه نموده و برایشان وضاحت‌های ما بسیار جالب و جذاب بوده و کاملاً معلوم بود که تشنهٔ شنیدن حقایق بودند.

اداره:

جناب مولوی صاحب اهمیت ادارهٔ سمعی و بصری را در یک نظام چگونه تعبیر می‌کنید و چقدر باید به این نهاد باید توجه صورت بگیرد؟

افغان صاحب:

بر کسی مخفی نیست که امروزه جنگ تبلیغاتی در دنیا گاهی از هر جنگی بیشتر در چشم است حتی معادلات جنگ‌های نظامی و مصارف هنگفت در این جنگ‌ها را گاهی همین جنگ تبلیغاتی تغییر داده عوض می‌کند به همین منوال مسئله پروگرام‌های صوتی و تصویری که بیانگر حقایق نظام باشد برای بقای آن نظام امر حیاتی است یعنی نظام وقتی موفق است که بخش تبلیغاتی آن درست فعال باشد و ذهنیت مردم را می‌تواند نسبت به آن نظام مثبت کند، در بسیاری از کشورها مصارف نهاد سمعی بصری یا به‌اصطلاح دگر رادیو و تلویزیون دولتی بعد از

اکنون در ولایت‌های قندهار، زابل، ارزگان، ننگرهار، پکتیا و پکتیکا رادیو صدای شریعت ما الحمدلله خیلی خوب فعال است. ما قصد داریم به‌زودی در ولایت‌های شمالی نیز استیشن رادیو داشته باشیم. رادیو در هرات که یک ولایت فرهنگی است نیز زیر هدف ماست. در سایر ولایت‌ها همچنین قصد ما این است که در موقعیت‌های مختلف استیشن رادیو نصب کنیم.

وزارت دفاع (که پرمصرف‌ترین نهاد در یک کشور است) می‌باشد لذا اهمیت موضوع فکر نمی‌کنم بر کسی مخفی باشد؛ حسب قاعده امارت اسلامی نیز به این موضوع بسیار متوجه بوده و هنوز هم برای تقویت نهاد سمعی و بصری و مطبوعات چاپی که چقدر هزینه و توجه شود به همان میزان شناخت قوی از اهمیت مطلب را نشان می‌دهد.

اداره:
جناب افغان صاحب به ارتباط رادیوها بگوئید مثلی که توجه عمیق کمسیون فرهنگی امارت اسلامی به این مسئله در این چند سال اخیر معطوف شده و دستاوردهای عمده در زمینه به‌دست‌آمده است؟

افغان صاحب:
بله اولاً رادیو عمومی‌ترین وسیلهٔ ارتباطی و محبوب در افغانستان است به چند دلیل از جمله ملت افغانستان چون‌که متأسفانه به علت جنگ‌های دوام‌دار از مشکلات برق و تکنولوژی محروم است و سطح سواد نسبت به سایر جوامع پائین است رادیو به ساده‌ترین و کم‌هزینه‌ترین وسیلهٔ مورد اعتماد ملت است که هر طیف جامعه، چه جوان چه پیر چه خانواده و چه بازار همه به‌نوعی از طریق رادیو به اخبار و تحولات کشور و جهان آگهی پیدا می‌کنند و چینل‌های مخرب رادیویی توسط اشغالگران و مزدوران آن‌ها نیز فراوان است که سعی در تخریب فرهنگ جامعهٔ عزیز ما دارد؛ لذا با در نظر داشتن همین اهمیت امارت اسلامی و کمسیون امور فرهنگی توجه دقیق و عمیق به گسترش چینل‌ها و پایه‌های رادیویی دارد این حقیقت بر کسی پوشیده نیست که امارت اسلامی تمام تلاش خود را کرده و می‌کند تا استیشن‌های رادیویی را در مناطق مفتوحه و صاحب موقعیت نصب کرده تا ملت عزیز ما از محتویات و نشرات اسلامی استفاده کنند.

قابل یادآوری است که همین اکنون در ولایت‌های قندهار، زابل، ارزگان، ننگرهار، پکتیا و پکتیکا رادیو صدای شریعت ما الحمدلله خیلی خوب فعال است. ما قصد داریم به‌زودی در ولایت‌های شمالی نیز استیشن رادیو داشته باشیم. رادیو در هرات که یک ولایت فرهنگی است نیز زیر هدف ماست. در سایر ولایت‌ها همچنین قصد ما این است که در موقعیت‌های مختلف استیشن رادیو نصب کنیم.

اداره:
در مدت مسئولیت خود در ادارهٔ سمعی و بصری اگر کدام خاطرهٔ جالب برای ما تعریف کنید؟

افغان صاحب:
(با کمی فکر) واقعیت بنده وقتی در این مسئولیت خطیر قرار گرفتم و ابتدای کار هم بود تمام آن صحنه‌ها برای من خاطره بود که با تجهیزات اندک اما انرژی قوی شروع به فعالیت نمودیم و به فضل و نصرت الله متعال، شفقت بزرگان بالخصوص مسئولین محترم امور فرهنگی و نیز همکاری مخلصانه همکاران و دوستان عزیزم بهترین خاطرهٔ خوش وقتی برایم رخ داد که می‌دیدم از طریق چینل‌های امارت اسلامی، شبکه‌های اجتماعی و سایر کانال‌های مجازی می‌توانیم ملت خود را به آگاهی برسانیم و حقایق را به سمع و نظرشان برسانیم.

اداره:
افغان صاحب! این یک مصاحبهٔ اختصاصی از طرف مجلهٔ حقیقت است اگر راجع به مطبوعات چاپی و مجلات امارت اسلامی نظر خویش را بگوئید؟

افغان صاحب:
بنده خیلی خوشحال هستم که امروز فرصتی دست داد تا از طریق مجلهٔ شما با ملت عزیز و خوانندگان محترم شما هم‌کلام بشوم واقعیت مطبوعات چاپی در شرایط فعلی بسیار یک کار عمده بود که للهالحمد امارت اسلامی به‌خوبی آن را به‌پیش برده و می‌برد من مجله‌های امارت اسلامی را که می‌بینم خودم شخصاً قوت و نیرو می‌گیرم و خدا را به این

داشته‌ها سپاس می‌گویم.
دربارۀ مجله حقیقت شخصاً علاقه‌مند هستم یکی به علت آنکه این مجله به زبان شیرین دری است و من همیشه مطالب به زبان فارسی را خیلی خوش داشته و همواره تعقیب می‌کنم. قلباً این مجله را دوست دارم و از فعالیت دوستان در این اداره خرسندم. دوم این مجله الحمدلله کدام تشنگی ما در عرصۀ رساندن پیام و صدای امارت اسلامی به زبان فارسی را برای عموم ملت عزیز ما برطرف کرده است و این یک حقیقت آشکار است که مجلۀ حقیقت در ترجمانی خون و قیام ما رول و نقش عمده ادا کرده است.

اداره:
فارغ از مسائل کاری بفرمائید اوضاع سیاسی فعلی کشور را چگونه تعبیر می‌کنید؟

افغان صاحب:
شما می‌دانید در ابتدای امر که امارت اسلامی مبارزۀ برحق خود را شروع کرد و به ندای امیرالمؤمنین فقید مرحوم عالی‌قدر ملا محمد عمر مجاهد رحمه‌الله و مخلصین جهاد لبیک گفت تحولات رفته‌رفته طوری شد که لله الحمد امروزه در سطح دنیا مجاهدین امارت اسلامی را به‌عنوان مبارزان برحق در کشور می‌شناسند؛ آنچه که امارت اسلامی را در چشم آورد و برعکس اداره‌های دست‌نشاندۀ امریکا در کابل را به انزوا برد بدون شک همان حقانیت امارت اسلامی و بزرگان آن بود. امروزه امارت اسلامی بعد از موفقیت‌ها در سنگرهای نظامی در سنگرهای پرخطر سیاسی مورد توجه کل دنیاست و همه مشاهده می‌کنند که چگونه امارت اسلامی در میدان سیاست بلند می‌شود و قامت راست می‌کند دشمنان قسم‌خوردۀ ما هرگاه در سنگرها شکست خوردند می‌خواهند خلاصه و چکیدۀ مبارزات ما در میدان سیاست را به شکست برسانند اما نمی‌دانند که نصرت حق همه‌جا یار ماست و ان‌شاءالله بزرگان ما همچنان که در میدان جنگ و امتحانات سخت درخشیدند در میدان سیاست نیز مثل اکنون موفق عمل کرده و سبب سربلندی ملت عزیز افغان می‌شوند به باور من اوضاع سیاسی کشور به نفع ملت عزیز ما است و صلح و آرامش و عزت واقعی مطابق خواسته و آرمان آن‌ها به‌زودی متحقق می‌شود و کسانی سبب بدنامی پروسۀ صلح واقعی می‌شوند کم‌کم چهره‌های واقعی‌شان شناخته می‌شود.

> ***دربارۀ مجله حقیقت شخصاً علاقه‌مند هستم یکی به علت آنکه این مجله به زبان شیرین دری است و من همیشه مطالب به زبان فارسی را خیلی خوش داشته و همواره تعقیب می‌کنم. قلباً این مجله را دوست دارم و از فعالیت دوستان در این اداره خرسندم. دوم این مجله الحمدلله کدام تشنگی ما در عرصۀ رساندن پیام و صدای امارت اسلامی به زبان فارسی را برای عموم ملت عزیز ما برطرف کرده است و این یک حقیقت آشکار است که مجلۀ حقیقت در ترجمانی خون و قیام ما رول و نقش عمده ادا کرده است.***

اداره:
افغان صاحب اگر کدام گفتنی دارید برای رسانه‌ها و بخش مطبوعات استفاده می‌کنیم؟

افغان صاحب:
من به تمام رسانه‌ها و ژورنالیستان و مسئولین امور مطبوعاتی می‌گویم از انعکاس و بیان حقیقت دوری نکنند زیر تأثیر ادارۀ کابل نرفته و حقایق را به ملت بازگویند، رسانه در واقع از خود یک حیثیت دارد به حیثیت رسانه پایبند بوده و آنچه در شأن رسانه است در راستای تنویر افکار عمومی کار بکنند؛ متأسفانه در این سال‌ها دشمن بسیار تلاش کرده از طریق رسانه‌ها ذهن و فکر ملت عزیز ما را خراب بکنند و در بسیار جاها نیز جوانان ما را (اعم از دختر و پسر) با تبلیغات فریبنده به‌سوی انحراف دعوت داده و متأسفانه در نشر حقایق کوتاهی و یا یک جانب را ترجیح داده‌اند درحالی‌که اصول رسانه کاملاً معلوم است این روزها به همه هویدا گردیده که به‌طور مشخص حلقاتی سعی دارند اهالی رسانه را ترور شخصیتی یا حذف فیزیکی کنند تا جلوی دهان گفته شدن حقایق را بگیرند ولی رسانه‌ها نباید چنین باشند همچنین مطبوعات باید با اصول و قوانین ژورنالیستی به شکل معیاری برای آگاهی ملت خود تلاش کنند تا همه در جهت بلند کردن صدای حق و عدالت سهم بگیرند.





رژیم کابل و بُغرنج فساد اداری در افغانستان

مفتی سعید مبارز غوری

رژیم کابل و بُغرنج فساد اداری در افغانستان

شکی در این نیست که فساد، یک پدیدهٔ نامیمون و مخرّب جهانی می‌باشد که در تمام جوامع بشری وجود داشته است و از ابتدای ساختار زندگی اجتماعی بشر تاکنون در جوامع گوناگون در حالت نوسان بوده و هیچ‌وقت ریشه‌کن نگردیده است.

میزان ابتلای جوامع بشری به فساد و تفاوت در شدت و فراگیری آن، مرتبط به ساختارها و تشکیلات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر جامعه می‌باشد. جوامع بشری که عدالت را تأمین کرده و بر قوانین و مقررات مصوبه جامعه پایبند باشند و ضوابط و اصول مدونه در مقرری‌ها را بر روابط قومی، سمتی، زبانی، حزبی و نژادی و صلاحیت‌ها را بر مصلحت‌ها مقدم بدانند، می‌توانند تا حد زیادی از این پدیدهٔ منفی، جلوگیری نموده و از شر آن در امان بمانند؛ اما جوامع بشری که حکومت‌های ساخته‌شدهٔ بشری در آن‌ها حاکم است و یا در جوامع که نظام شرعی به شکل سمبولیک حاکم می‌باشد؛

اما رهبری حکومت‌ها به دست افراد بی‌بندوبار، بی‌باک، عیاش و فحاش می‌باشد و ضوابط و اصول مقرره تطبیق و رعایت نمی‌گردد، بیشتر این پدیده رشد و نمو کرده و هر روز فربه و فربه‌تر می‌گردد.

چنانچه واضح و هویداست، کشور عزیز ما افغانستان، در دو دههٔ اخیر شاهد تاخت‌وتاز عساکر بیگانه بوده و نظام پوشالی اجانب اشغالگر زیر نام «جمهوری اسلامی؟» با ده‌ها نوع حیله و تزویر و نیرنگ بر این ملت تحمیل گردیده است. طبیعی است کشوری که اساس و بنیاد دولت آن چنین نهاده شده باشد، بیشتر از همه قربانی این پدیده واگیر شده و مفاسد و معایب گوناگون آن بر روح و روان این ملت تأثیرات منفی‌اش را به دنبال می‌گذارد که ذیلاً نظرسنجی‌ها و گزارش‌هایی از نهادها و دفاتر بین‌المللی در این مورد مختصراً ذکر می‌گردد.

دفتر ملل متحد برای مواد مخدر و جرم (UNODC)، در جنوری سال ۲۰۱۰م کتاب را بنام فساد اداری در افغانستان تهیه و نشر نمود که در آن نظرسنجی‌های

که توسط کارمندان «دفتر مرکزی مواد مخدر و جرائم سازمان ملل متحد در افغانستان» و «مرکز تحقیقات یوریکا در کابل» در مورد فساد در مناطق اطراف و ساحات داخل شهرها به‌قصد انتقاد نه بلکه به نیت همکاری انجام یافته بود، ذکر نموده است.

بر اساس نظرسنجی دفاتر فوق در سال ۲۰۰۹م، ۵۲ فی صد افغان‌ها مجبور گردیده‌اند تا حداقل یک‌بار به یک کارمند دولتی رشوه بدهند. افغان‌ها جهت اجرا و پیشبرد کارهایشان در ادارات دولتی در این سال، مبلغ ۲،۴۹۰ ملیون دالر را به ادارات دولتی رشوه داده‌اند که برابر بود با ۲۳ فی صد تولید ناخالص داخلی افغانستان. در این نظرسنجی نیز ذکر گردیده است که آلوده‌ترین ادارات رژیم کابل به فساد، ادارات پولیس، قضا و گمرکات می‌باشد که در حدود ۵۰ فی صد از قضایا، کارمندان این ادارات حین تماس، درخواست رشوه می‌کنند.

روز ۱۸ برج قوس، از سوی سازمان ملل متحد به‌عنوان روز جهانی مبارزه با فساد اداری تعیین شده است. این روز از سال ۲۰۰۳ در تقویم جهانی سازمان ملل متحد قرار گرفته است و هرساله، نهادهای بین‌المللی به‌طور مداوم شاخص فساد در کشورها را بررسی می‌کنند. بر آن مبنا سازمان شفافیت بین‌الملل که یک نهاد بین‌المللی است و در سال ۱۹۹۳م در همین خصوص تأسیس و بنا شده و هم‌اکنون بیشتر از ۱۸۰ کشور جهان عضو آن می‌باشند، همه‌ساله شاخص از فساد جاری در کشورها را به نشر می‌رساند. هدف و یا شعار این نهاد، مبارزه با فساد و افزایش آگاهی در مورد او و محو و نابودی آن از دوایر دولتی امروزه جهان می‌باشد.

سازمان فوق در هر سال یک مرتبه، شاخص از میزان فساد واقع در کشورهای عضو را به نشر می‌رساند که به اساس معیارهای معینِ آن، تهیه و گذارش می‌شود.

بر اساس گزارش این سازمان، شاخص ادراک فساد بین امتیاز صفر تا ۱۰۰ محاسبه می‌شود که هر چه امتیاز به صفر نزدیک‌تر باشد یعنی وضعیت فساد

در سال ۲۰۰۹م، ۵۲ فی صد افغان‌ها مجبور گردیده‌اند تا حداقل یک‌بار به یک کارمند دولتی رشوه بدهند. افغان‌ها جهت اجرا و پیشبرد کارهایشان در ادارات دولتی در این سال، مبلغ ۲،۴۹۰ ملیون دالر را به ادارات دولتی رشوه داده‌اند که برابر بود با ۲۳ فی صد تولید ناخالص داخلی افغانستان. در این نظرسنجی نیز ذکر گردیده است که آلوده‌ترین ادارات رژیم کابل به فساد، ادارات پولیس، قضا و گمرکات می‌باشد که در حدود ۵۰ فی صد از قضایا، کارمندان این ادارات حین تماس، درخواست رشوه می‌کنند.

بدتر و هر چه به امتیاز ۱۰۰ نزدیک‌تر باشد آن کشور پاک‌تر است.

طبق گزارش‌های سالانهٔ این سازمان از میزان فساد در کشورها؛ افغانستان تا سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳م با کسب ۸ امتیاز، در ردهٔ دوم کشورهای فاسد جهان قرار داشته است.

رژیم کابل که از ابتدای ساختارش، اداره فرمایشی و نمایشی بوده و در روند حکومت‌داری سردمداران آن در عرصه سیاست، اقتصاد، اجتماع و فرهنگ، توقع و انتظار عدالت و شفافیت نمی‌رفت، اما بازهم پس از شکل‌گیری حکومت دوسرهٔ وحدت ملی در سال ۲۰۱۴ م، به هدف مشروعیت بخشیدن و جلب‌توجه دست‌اندرکاران خارجی، مبارزه با پدیده فساد به یکی از اهداف استراتژیک رژیم کابل و نهادهای کمک‌رسان به آن تبدیل شد که بر همان مبنا، نهادها و ادارات مختلف ناظر بر این روند تشکیل و آغاز به فعالیت نمودند که در نتیجه پس از این‌همه تلاش‌ها (؟) و توجهات نهادهای کمک‌رسان بین‌المللی، وضعیت افغانستان روند بهبود تدریجی را به خود گرفته و در سال ۲۰۱۴م ۱۲ امتیاز، در سال ۲۰۱۵م ۱۱ امتیاز، در سال ۲۰۱۶م و ۲۰۱۷م ۱۵ امتیاز را از سازمان شفافیت بین‌الملل کسب کرد و در سال ۲۰۱۸م توانست تا با صعود از پنج پله، با کسب ۱۶ امتیاز در ردهٔ ۱۷۲ مین کشور فاسد جهان قرار بگیرد. به همین منوال؛ افغانستان در سال ۲۰۱۹م با افت یک امتیاز در ردهٔ ۱۷۳ مین کشور فاسد و

اگر اداره کابل بر همین منوال روند نامعقول و ناپسند اداری‌اش را ادامه بدهد، نه‌تنها در شاخص احساس فساد سازمان شفافیت بین‌الملل صاحب‌امتیاز نمی‌گردد بلکه مرور زمان این را ثابت خواهد کرد که سیر قهقرایی‌اش را تکمیل کرده و بار دیگر ردۀ اول را در فساد اداری خواهد گرفت.

در سال ۲۰۲۰م نیز با کسب ۱۶ امتیاز بار دیگر در ردۀ ۱۷۳ مین کشور فاسد در جهان باقی ماند؛ یعنی هم‌اکنون، افغانستان از لیست ده کشور فاسدترین کشورهای جهان می‌باشد که تنها شش کشور در جهان وجود دارد که گراف فساد در آن‌ها از افغانستان بالاتر می‌باشد.

گرچه تلاش‌های از جانب نهادهای بین‌المللی در نیم دهۀ اخیر پس از ایجاد حکومت آغشته به فساد دوسرۀ وحدت ملی جهت بهبود بخشیدن وضعیت ناهنجار فساد در افغانستان با زعامت و رهبری متفکر (؟) دوم جهان آقای غنی و با حمایت همه‌جانبه تمویل کنندگان خارجی (جامعه جهانی و سازمان ملل) این اداره صورت گرفته است اما اثرات مثبت و قابل لمس آن قابل‌ملاحظه نبوده و تا هنوز نتوانسته است از لیست فاسدترین کشورهای جهان بیرون بشود و امروز در افغانستان فساد اداری، چور، چپاول، غصب، رشوه، اختلاس و زیر پا کردن حقوق عامه به یک فرهنگ و عمل روزمرۀ کارمندان رژیم کابل مبدل گردیده است. علاوه‌برآن؛ سیستم وارده‌ی تحمیلی غرب نیز باعث شکاف‌های عمیق قومی، سمتی، زبانی حزبی و نژادی شده است که دامنۀ فساد در ادارات دولتی را گسترده‌تر کرده است.

علت اساسی آن این است که در هیچ‌یکی از حامیان داخلی و خارجی پروسه مبارزه با فساد جدیت و اقدام عملی محسوس نمی‌باشد و دیده می‌شود که در پشت ده‌ها قضایای بزرگ و هنگفت فساد، دست بزرگان این رژیم بوده و همانند روز، واضح و روشن می‌باشد اما هیچ‌گاه روی چنین قضایای تحقیق و بررسی همه‌جانبه صورت نگرفته بلکه از آن‌ها بنا بر ملاحظات سیاسی، سمتی، قومی و حزبی اغماض و چشم‌پوشی نیز صورت گرفته است.

اراده قوی سیاسی دولت همگام با اجرا و عمل، نه در حد شعار، تأمین شفافیت و فراهم نمودن زمینه‌های نظارت عمومی بر نحوه مصارف، تقویت و توسعه سیستم حکومت‌داری با استفاده از سیستم‌های مدرن مالی، ایجاد میکانیزم نظارتی و کنترولی محسوس و نامحسوس و مهم‌تر از همه؛ رسیدگی به قضایا و جرائم ناشی از فساد اداری و برخورد جدی با عاملین این قضایا، از اصول و ارکان اساسی است که می‌توان به وسیله‌شان با فساد مبارزه واقعی کرد که متأسفانه جهت منافع شخصی و آغشته بودن رهبری رژیم کابل در قضایای اختلاس، غصب و رشوه، هیچ‌یکی از موارد فوق عملی و اجرا نشده و هر روز دامنۀ فساد پهن‌تر می‌گردد و تبعات منفی آن بر دماغ و روان ملت افغان زخم ناسور می‌گذارد.

اگر واقعاً رهبری رژیم کابل و سازمان‌های همگام با آن در راستای مبارزه با فساد در افغانستان صادق و متعهد می‌بودند و این عملشان فقط در حد یک شعار نمی‌بود، می‌توانستند با استفاده از امکانات و بودجه‌های بزرگ مالی حداقل در دو دهه تلاش و پشتکار، افغانستان را از لیست فاسدترین کشورهای دنیا بیرون بکشند و از قافله کشورهای توسعه‌یافته یا نیمه توسعه‌یافته در عقب نمانند اما این خواب است و خیال. پس از درک و تعمق بر اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور مشخص می‌شود که چه چورا چور در این دهکده روان است و چه ترفندهای جهت برآورده ساختن خواهشات نفسانی به خورد این ملت داده می‌شود.

اگر اداره کابل بر همین منوال روند نامعقول و ناپسند اداری‌اش را ادامه بدهد، نه‌تنها در شاخص احساس فساد سازمان شفافیت بین‌الملل صاحب‌امتیاز نمی‌گردد بلکه مرور زمان این را ثابت خواهد کرد که سیر قهقرایی‌اش را تکمیل کرده و بار دیگر ردۀ اول را در فساد اداری خواهد گرفت.





امارت اسلامی

بازتاب‌دهندۀ دین و سیاست

عمر منصور

دین و سیاست دو پدیده‌ای است که از بدو پیدایش بشر با زندگی بشر گره خورده است. در هیچ برهه‌ای از زمان گروهی یا شخصی پیدا نشده که وجود دین و سیاست را در صفحه زندگی انکار کرده باشند. حتی افرادی که در زبان تظاهر به انکار می‌کنند، اما در واقعیت و زندگی عملی پذیرفته‌اند که دین و سیاست مثل اشیای دیگر با حیات انسان پیوند عمیق دارد.

این یک حقیقت مبرهن است، در هر اجتماع کوچک یا بزرگ پاره‌ای از مشکلات جمعی وجود دارد که نیازمند تصمیم‌گیری کلی است. به‌خاطر زندگی بهتر و سالم‌تر نیازمند یک نظم است، لذا انسان‌ها را به پذیرش مقوله ریاست ترغیب کرده و مقید به یک دین می‌سازد.

البته نکته تأمل‌برانگیز این است که آیا پیوند میان دین و سیاست پیوندی از نوع تضاد و ناسازگاری است، آن‌هم به‌گونه‌ای که اگر یکی از آن‌ها وجود داشته باشد، دیگری را از صحنه بیرون می‌راند و یا اینکه رابطه آن دو باهم موازی و هم‌آوایی است که هیچ‌یک از دیگری بی‌نیاز نیست، از همدیگر جدای ناپذیرند.

آیا تابه‌حال حرکت‌ها و نهضت‌هایی روی کار آمده‌اند که این پیوند را در هر دو بخش ثابت ساخته باشند؛ یعنی هم در عرصه دین و عقیده و هم در عرصه سیاست و حکومت‌داری الگو برای دیگران باشد و یا شود؟

آری!

امارت اسلامی افغانستان به‌مثابه یک حرکت دینی ملی و نهضت کامل و فراگیر در همه زمینه‌ها دارای اهداف، مقاصد، راهکارها و رویکردهای خاص خود را دارا است و ثابت ساخته است که دین هیچ‌گاه از سیاست جدا نبوده و اهل دین در هیچ برهه‌ای از زمان، در بخش سیاست ضعیف نبوده و نخواهد بود. بلکه چنانچه در صحنه دین و عقیده نمونه بارز برای دیگر جهانیان است، درزمینۀ سیاست و حکومت‌داری نیز بسان ماه تابان می‌درخشد.

در باب دین و عقیده از تمام رسوخ و استحکام برخوردار است، در میادین جهاد و سنگرهای مقاومت بیست‌ساله خود را با تمام معنا اثبات کرد.

در زمینه سیاست نیز از مهارت‌های کافی برخوردار بوده و در اداره و مدیریت تمام ولایات و ولسوالی‌ها (با وجود کثرت شاریدگی‌اش) و حق را به حق‌دار رساندن، کاملاً نمایان ساخته است.

امارت اسلامی افغانستان ضمن پذیرش پیشنهادهای معقول سایر احزاب و گروه‌ها با گام‌های استوار و مقتدر خود، راهی غیر از دیگران را در پیش‌گرفته و با توجه به بینش‌ها و جهان‌بینی خود، امور ملت و مملکت افغان را، به گونه منحصربه‌فرد خود، سامان داده است.

به توفیق الهی می‌کوشد در زنجیرۀ به‌هم‌پیوسته برای برآورده ساختن آرمان‌های ملت افغان، افغانستان را به یک کشور اسلامی نمونه و مقتدر، مبدل سازد. ان‌شاءالله



نیروهای (به اصطلاح) امنیتی و دفاعی افغان به خاطر چه کشته می‌شوند؟

سادات چرخی

آیا هدف این جنگ و تلفات عساکر، پولیس و اربکی را که در برابر طالبان می‌جنگند، درک کرده‌اید؟ آیا منسوبین این ارگان‌ها مسیر جنگشان را می‌دانند؟ آیا سرنوشت دنیا و آخرت این اردو و پولیس تشخیص شده است؟ آیا مشخص می‌دانید که سکتورهای امنیتی درنهایت ازبهر چه و کدام هدف کشته می‌دهند و جامعه کفری از برای چه چیز این ارگان‌ها را تجهیز و تمویل می‌کنند؟ و آیا خون‌هایشان هدر نیست؟

این سؤالاتی است که هنوز ذهن تعدادی از مردم مصروف آن است و پاسخشان را کاملاً نیافته‌اند؛ اما همه افراد امنیتی (اردو، پولیس، اربکی و امنیت) ظاهراً زیر شعار (خدا، وطن، وظیفه) جنبانده می‌شوند درحالی‌که حقیقت کاملاً معکوس آن است و این حقیقت را سرقومندان اعلی قوای مسلح (اشرف غنی) در خطابه‌های متعدد و مستقیم به قومندانان و افسران این ارگان‌ها به‌وضوح کامل ابراز کرده است و هدف نهایی این قربانی و جان‌فشانی‌های ارگان‌های امنیتی را برملا نموده و جای تردیدی در توضیحاتشان باقی نمانده و حقیقت نیز همین است.

اشرف غنی (به اصطلاح) سرقومندان اعلی قوای مسلح ارگ در خطاب به افسران، جنرالان و قومندانان اردو و پولیس به زبان‌های دری و پشتو به‌صراحت هدف این جنگ و قربانی‌های امنیتی را روشن ساخت و بیان کرد «بی له تاسی نه بین‌المللی امنیت په خطر کی دی» (امروز باید وضاحت واضح داشته باشیم از برکت شماست که نیویورک و واشنگتن مصؤن است و در آن بم‌ها انفجار نمی‌کند این یک حقیقت است) در یک خطابه دیگرش، قوای امنیتی را چنین خطاب می‌کند «بی له تاسی نه بین‌المللی امنیت په خطر کی دی» (قوای پرافتخار امنیتی و دفاعی افغانستان مسئول امنیت جهانی هستند) «د تاسی له برکت نه دی چه نیویارگ او واشنگتن باندی حمله ندی شوی، په نیویارگ باندی بمونه ندی چودیلی»

اشرف غنی سرقومندان اعلی قوای امنیتی و دفاعی، در یک مصاحبه اختصاصی با شبکه تلویزیون طلوع، هدف این جنگ را چنین توضیح می‌دارد که از برکت قوای دفاعی و امنیتی افغانستان و مردم افغانستان امریکا مصون است، ما در مصؤنیت امریکا نقش کلان داشتیم و این وظیفه ماست یعنی به‌صراحت اعتراف می‌کند که وی برای امنیت امریکا توظیف شده و این ارگان‌ها برای حفظ جان و مال آمریکایی‌ها جان می‌بازند و می‌میرند. حتی در پاسخ سؤال یک گرداننده تلویزیون طلوع که پرسید: آزاردهنده‌ترین ماده توافقنامه طالبان با امریکا برای شما کدام بود او در پاسخ به‌صراحت گفت که برآمدن قوای بر اساس درخواست آنان نه بر اساس خواست شریکشان که ماستیم، این‌همه اعترافات آشکار، مسیر این جنگ و هدف این قربانی‌های افراد امنیتی را واضح می‌سازد که همه این کشته‌ها و تلفات نیروهای امنیتی و دفاعی از بهر رضای امریکا، مصؤنیت امریکا و امنیت نیویورک و واشنگتن است و بس.

از سوی دیگر بعلاوه از این وضاحت (اشرف غنی) مساعدت‌های مالی، لوژستیکی و تسلیحاتی آمریکا و ناتو نیز بر وضاحت وی، عملاً مهر تأیید می‌گذارد و آن را ثابت می‌کند که ارگان‌های امنیتی و دفاعی از بهر آمال و اهداف آمریکایی‌ها و کشورهای صلیبی اروپایی جان می‌دهند و می‌میرند که معلومدار خون‌هایشان

هدر است.
همچنان معاون اشرف غنی در هر دو دوره قدرتش (سرور دانش) روز (دوشنبه، ۱۹ عقرب سال جاری)، در نشستی در کابل، به‌صراحت از رئیس‌جمهور جدید امریکا (جوبایدن) خواست که در مورد توافقنامه دوحه که در آن خروج کامل قوای اشغالگر، صراحت شده، بازنگری نمایند و این توافق‌نامه دوحه را مردود شمرد و حتی از قوای اشغالگر آمریکایی خواست تا در افغانستان بمانند و بیرون نشوند. علاوه بر اینکه رئیس اداره دست‌نشانده کابل و معاونینش واضح صراحت دارند که این قوای امنیتی و دفاعی ازبهر حفظ و امنیت جهانیان، نیویورک و واشنگتن استخدام‌شده‌اند، این صراحت‌ها و اهداف جنگی‌شان را به جهانیان نیز رسماً اعلام کرده‌اند و همه آن را می‌دانند.
لهذا این نیروهای به اصطلاح امنیتی و دفاعی زیرقوماندهٔ اشرفغنی در حقیقت برخلاف دین، وطن و مجاهدین آزادی‌بخش کشور می‌جنگند و غرض همین هدف سوق و اداره می‌شوند، تجهیز و تمویل می‌گردند و بالای این نیروها جز مزدور، اجیر، وطن‌فروش و لشکریان اجرتی دیگر نامی نمی‌توان اطلاق کرد و تاریخ بر آن نیز گواه خواهد بود.
قرآن کریم در آیت ۵۱ سوره المائده می‌فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ)
ای اهل ایمان! یهود و نصاری را دوستان {سرپرستان، حامی، هم‌پیمان و حیلف} خود مگیرید، آنان سرپرستان و دوستان یکدیگرند [و تنها به روابط میان خود وفا دارند]؛ و هر کس از شما، یهود و نصاری را سرپرست و دوست خود گیرد از زمره آنان است، بی‌تردید خدا گروه ستمکار را هدایت نمی‌کند.
مفسرین زیر این آیت کریمه تشریحاتی داشته‌اند که:
خداوند می‌خواهد که مسیحیان و یهودیان را به دوستي نگیرید حتی امام احمد به اسناد صحیح روایت می‌کند که ابوموسی اشعري رضی‌الله‌عنه حاکم اصفهان، در زمان حضرت عمر بن خطاب رضی‌الله‌عنه ترجمان نصرانی را گرفت و عمر بن خطاب رضی‌الله‌عنه، ابوموسي اشعری را بدین دلیل سرزنش کرد که چرا يك مسیحی را به خدمت گرفته و استخدام کافر را که نیازی به آن نیز دیده می‌شد اجازه نداد و به آیت فوق استدلال نمود که خداوند کفار را دشمن خوانده شما آنان را دوست مگیرید و آنان را ذلیل خوانده به آنان اکرام نکنید.
پس برای مسلمانان که استخدام کافر یعنی حصول خدمت از کافر {که این هم یک نوع عزت تلقی می‌شود} جایز نیست، پس چگونه جایز است که

** مساعدت‌های مالی، لوژستیکی و تسلیحاتی آمریکا و ناتو نیز بر وضاحت وی، عملاً مهر تأیید می‌گذارد و آن را ثابت می‌کند که ارگان‌های امنیتی و دفاعی از بهر آمال و اهداف آمریکایی‌ها و کشورهای صلیبی اروپایی جان می‌دهند و می‌میرند که معلومدار خون‌هایشان هدر است.

** نیروهای به اصطلاح امنیتی و دفاعی زیرقوماندهٔ اشرفغنی در حقیقت برخلاف دین، وطن و مجاهدین آزادی‌بخش کشور می‌جنگند و غرض همین هدف سوق و اداره می‌شوند، تجهیز و تمویل می‌گردند و بالای این نیروها جز مزدور، اجیر، وطن‌فروش و لشکریان اجرتی دیگر نامی نمی‌توان اطلاق کرد و تاریخ بر آن نیز گواه خواهد بود.

مسلمان زیر فرمان و سوق اداره کفار، آن‌هم برخلاف مسلمانان و مجاهدین آزادی‌بخش کشور قرار بگیرد و بجنگد و باز ادعا داشته باشد که کشته‌هایشان شهید و خودشان هنوز هم مسلمان باقی هستند؟!
مفسرین می‌نویسند که در آیه متبرکه فوق واژه (اولیاء) جمع ولی است به معانی حامی، دوست، هم‌پیمان، سرپرست، قریب و ... اطلاق می‌شود که این‌همه منهی عنه است که نباید مسلمان از کافر حمایت کند و یا با کافر در برابر مسلمانان یکدست و متحد شوند که چنین عمل در شریعت اسلام ارتداد و مخرج عن الملة شمرده می‌شود.
امام فخر رازی در تفسیرش زیر این آیه مبارکه نقل می‌کند که ابن عباس رضی الله عنهما می‌گوید که کسی اگر با کفار هم‌پیمان شود و برخلاف مسلمانان از کفار حمایت کند (كأنه مثلهم) گویا آن به‌مثل کافر هست.
در این مورد احادیث و نصوص متعددی قرآنی وجود دارد که مسلمانان را برحذر داشته است که از همکاری با کفار اجتناب کنند.
امروز تمام قوای دفاعی و امنیتی رژیم کابل برای مصٶنیت نیویورک و واشنگتن می‌جنگند و برعلاوه‌ای که حافظ امنیت جهانی هستند، در حقیقت مانع نظام خالص اسلامی نیز می‌باشند که چنین کردار ننگین، آنان را از اسلام دور می‌کند و خون‌هایشان هدر است و بنا بر نصوص شرعی حشر و حساب آنان در آخرت نیز یکجا با همین کفار متجاوز و اشغالگر صورت خواهد گرفت و با سرنوشت آنان دچار خواهند شد. خسرالدنیا والآخره ونعوذ من ذلک.



اهداف ارگ از تبدیل مساجد به مکاتب

محمد عمر نیمروزی

اداره بی‌اراده کابل، تصمیم گرفته است که مساجد کشور را وارد سیستم آموزش دولتی کند. در صفحه فیسبوک وزارت معارف این اداره آمده است که: «در سه سال نخست تعلیم و تربیه، رفتن به مسجد یک هویت قوی اسلامی را در شاگردان ایجاد و پرورش خواهد داد و محوریت اسلام را برای شاگردان ما برجسته خواهد کرد». این وزارتخانه ارگ اعلام کرده که چون قبلاً آموزش مسائل دینی توسط دارالحفاظ و مدارس دینی انجام می‌شده، لذا «جایگاه اسلام را در حاشیه قرار داده بود» و آن‌ها می‌خواهند اسلام را از حاشیه به متن تبدیل کنند!

قبل از شروع تحلیل این اقدام ارگ، باید به عرض خوانندگان عزیز برسانم که: خصلت گرگ، درندگی و خون‌ریزی است. گرگ با سایر حیوانات مظلوم، هیچ‌گاه سازش و هم‌نوایی نداشته و ندَارد. اگر یک‌وقت، گرگی اعلام کند که از این به بعد، من مسئولیت گله‌داری و حفاظت از گوسفندان را برعهده می‌گیرم، آیا کسی به او اعتماد می‌کند و گوسفندانش را در اختیار او قرار می‌دهد؟ طبعاً پاسخ، منفی است.

اداره کابل از روز نخست، با هدف مبارزه با اسلام، مقابله با تشخّص‌های اسلامی، تیشه زدن به ریشه زیرساخت‌ها و مبانیِ اسلام و جنگ با شریعت اسلامی تأسیس شده است. این اداره، از همان روز اول، تحت‌نظر و اشراف کلی بیگانگان و صلیبیان قرار داشته و دارد و در تصمیم‌های کلان، خصوصاً تصمیم‌هایی که با فرهنگ اسلام سروکار دارند، هیچ‌گاه خودمختار و متکی‌به‌خود نبوده است. کسانی هم که در این اداره بی‌اراده، مسئولیت دارند و جزء بازیگران اصلی و مهره‌های اساسی اشغالگران هستند، همه تحصیل‌کرده غرب هستند و ذهن، فکر و ایده‌هایشان بر اساس منهج غرب، شکل گرفته است و طبیعی است که چنین ایده‌ای، هیچ‌گاه با ایدئولوژیِ اسلامی، سازگاری و هماهنگی نداشته و ندارد.

آیا معقول است که تحصیل‌کرده‌های غرب که غذای فکری‌شان، مواد سم آلود غربی است، برای هویت و تشخص اسلامی‌مان دل بسوزانند؟ آیا ما می‌توانیم از

اشک‌های تمساح گول بخوریم؟ هرگز!
اداره کابل گمان می‌کند که علمای اسلام و پاسداران عقیده اسلامی، چشم و گوششان را بسته‌اند تا هرکس و ناکسی به مرزهای فرهنگی‌شان یورش ببرد و با پوشیدنِ لباس میش، عملکرد گُرگ را پیشه سازد. زهی خیَال باطل.
هدفِ اداره بی‌اراده کابل و ارگِ بی سازوبرگ از این طرحِ شوم و نامیمون، چیزی نیست جز مبارزه با فرهنگ اسلام و تزریق سموم به ذهن و فکر اطفال مسلمان. با ما باشید تا حقیقت را با الفاظی ساده برایتان بیان کنیم:
در حقیقت، اینک اداره کابل به‌درستی درک کرده است که بزرگ‌ترین چالش برای اهداف نا خجسته‌اش، مساجد و مدارس هستند. آن‌ها می‌دانند که کارخانه مجاهد پروری، همین مساجد و مدارس هستند و تا زمانی که این دو مرکز، کنترل نشوند، هیچ‌گاه در راستای تکمیل اهدافش موفق نخواهد شد. ارگ می‌خواهد مساجد را از کنترل علما خارج کند و رفته‌رفته، گام‌به‌گام و به‌تدریج، آن‌ها را همانند مکاتب دولتی، فارغ از فرهنگ‌سازی، صرفاً تبدیل به مراکز سوادآموزی بکند.
اگر بالفرض، اداره کابل از همان گام اول اعلام می‌کرد که ما می‌خواهیم مساجد و مدارس را کنترل کنیم، برنامه‌های آموزشی و منهج درسی‌شان را تنظیم کنیم؛ بدیهی است که تمام علما و مردم کشور اعتراض می‌کردند و هیچ‌گاه اجازه چنین کاری را به ارگ نمی‌دادند؛ بنابراین ارگ می‌خواهد با استفاده از تجربه برخی از حکومت‌های به‌ظاهر اسلامی، مساجد را به این شکل کنترل کند و استقلالشان را از آن‌ها سلب کند. حالا در مرحله نخست و گام اول، اعلام می‌کند که همین ملاامام‌های مساجد، به دانش‌آموزان تا سه سال قرآن یاد بدهند و معاش و حقوق ماهیانه‌شان را از ارگ دریافت کنند. به‌ظاهر شاید برخی از ملاامام‌ها این طرح را به نفع خود احساس کنند و با خود بگویند: «این خیلی خوب می‌شود، هم قرآن را به اطفال مسلمین آموزش می‌دهیم و هم معاش خود را از رژیم کابل می‌گیریم» درحالی‌که پشت پرده ماجرا، چیزی غیر از این است.
برخی از کشورها، مساجد و مدارس را به‌اصطلاح خود ساماندهی کرده‌اند، به ملاامام‌ها از طرف حکومت حقوق و معاش ماهیانه می‌دهند، مانند سایر کارمندان دولت، بعد از چند سال، تقاعد و بازنشست می‌شوند، به دستور ارگان‌های دولتی و وزارت معارف، از یک مسجد به مسجد دیگر منتقل می‌شوند، برنامه آموزشی و حتی سخنرانیِ جمعه، برایشان دیکته و املا می‌شود و اجازه ندارند حَتی یک کلام، خارج از آنچه برایشان دیکته شده است، بر روی منبر برای مردم بیان کنند. به‌این‌ترتیب، مدیریت علما و ائمه مساجد را به دست گرفته‌اند و برنامه‌های شومشان را اجرا می‌کنند.
اداره کابل نیز می‌خواهد همین طرح را اجرا کند، اما چون از طبیعت مردمان این مرزوبوم آگاه است، بنابراین ابتدا با طرحی که به‌ظَاهر خیلی فریبنده و در راستای مصالح اسلام است، وارد عمل شده است. می‌خواهد اطفال مسلمان را قرآن‌خوان کند و آن‌ها را با مساجد مأنوس کند! آیا اشرف غنی که نمی‌داند به‌وقت نماز، دست راست را بالای دست چپ می‌گذارند، می‌خواهد فرزندان مسلمان را با مساجد و نماز مأنوس سازد؟ این غیرممکن است.
هدف ارگ، صرفاً و صرفاً کنترل مساجد و ائمه، از بین بردن استقلال مساجد و مدارس و متّکی کردنِ علما به خود است.
بنابراین می‌طلبد که علمای کشور، سران مردمی و با نفوذ و عموم مردم به‌شدت با این طرح رژیم به مقابله برخیزند. عَلما و ائمه مساجد، همان گونه که قبلاً استقلال مساجد را حفظ کرده‌اند و مستقل از حکومت‌های وقت، آموزه‌های اسلامی را به اطفال مسلمان تعلیم داده‌اند، کماکان برنامه‌های خود را با استقلال ادامه دهند و به رژیم کابل، اجازه دست‌درازی ندهند.

** آیا معقول است که تحصیل‌کرده‌های غرب که غذای فکری‌شان، مواد سم آلود غربی است، برای هویت و تشخص اسلامی‌مان دل بسوزانند؟ آیا ما می‌توانیم از اشک‌های تمساح گول بخوریم؟ هرگز!

** هدف ارگ، صرفاً و صرفاً کنترل مساجد و ائمه، از بین بردن استقلال مساجد و مدارس و متّکی کردنِ علما به خود است.
بنابراین می‌طلبد که علمای کشور، سران مردمی و با نفوذ و عموم مردم به‌شدت با این طرح رژیم به مقابله برخیزند.

چرا طالب شدم؟


شهاب لیوال افغان
ترجمه: قاضی عثمان افغان

من شهاب لیوال چرا از کابل و از یک محیط علوم عصری و از زندگی پر از لذت به کوه‌ها بلند شدم...؟ و عوامل طالب شدنم:

زندگی پر از آه و غم...

در کابل از لیسه مشهور (نادری) فارغ شدم و در امتحان کنکور به پوهنځی ادبیات دری نائل شدم، اما چونکه در آن زمان برادرانم شرکت ساخت‌وساز شخصی داشتند، بناءً برادر بزرگم که فعلاً هم مسئول جهادی ما است (انجنیئر خالد غوربندی حفظه‌الله) مرا تشویق نمود که در پوهنتون شخصی در بخش انجنیئری نام‌نویسی کنم.

من هم در پوهنتون کاردان که در ساحه کارته پروان واقع است، دروس انجنیری را شروع کردم. دو سال درس خوانده بودم که بالای خانه ما چاپه آمریکایی‌ها آمد و برادرانم را با خود برد و بعد از یک سال رهایشان کرد، دفعه بعد باز چاپه آمریکایی‌ها و غلامانشان آمد مادرم را با لگد زده وداونی همان حجاب خواهرم را از سرش دور کرد و برادرانم را با خود برد و تقریباً ۴ ماه گم بودند.

بعدها که به ریاست ۹۰ رفتم در آنجا با برادرم روبرو شدم اما نشناختمش تا که او صدایم کرد، من که حالتش را دیدم چشمانم اشکبار شد، او با من سخن می‌گفت، می‌دانید که چرا نشناختمش؟ بخاطر اینکه زیاد شکنجه شده و چهره‌اش تغییر کرده بود.

در وقت واپس آمدنم از ریاست برادرم انجنیئر خالد به من گفت اگر زود خلاص نشدیم تو برو با مجاهدین «۱۱۱» بپیوند و انتقام خواهر و مادر را حتماً از این کفار و غلامان بگیر!

خوب! از کابل تا کوه‌های پروان:

من هم آمدم و با مجاهدین امارت اسلامی یکجا شده و اکنون ۱۲ سال کامل می‌شود که در امارت اسلامی افغانستان خدمت می‌کنم و افتخار می‌کنم که عضو یک چنین نظام مقدسی هستم.



تا ۴۰ نفر کارگر و موترها داشتیم اما اشغال بر آرزوهای جوانی‌ام خاک پاشید، اگر اشغال نمی‌بود من یک انجنیئر یا داکتر مسلکی می‌بودم یا معلم زبان انگلیسی بودم لیکن امروز هر چیز را از یاد بردم. ما خلاف تعلیم نیستیم بلکه مخالف آن تعلیم که احساسات اسلامی و دینی ما را از بین ببرد، هستیم.

شهزاده دیروز، امروز در کوه‌ها سنگ ریز می‌کنم و زندگی را پیش می‌برم گاه‌گاهی اینطور هم شده که در خانه پول نبوده و مریض داشته‌ام و برای دوایش حیران بوده‌ام (اف چقدر سخت است).

من باخدای خود تعهد کرده‌ام تا وقتی که نظام اسلامی قایم نشده جهاد خواهم کرد تا بچه‌های افغان به مثل من از تعلیم و تحصیل باز نمانند.

من هم جوان بودم و امید و آرزوها داشتم.

در اخیر اشاره می‌کنم که من با این سخن لیوال صاحب موافقم که گفته: (تا وقتی که نظام اسلامی قایم نشده جهاد خواهم کرد تا باز نسل افغان از تعلیم و تحصیل باز نماند) باید برای نسل آینده کار شود و نگذاریم که آن‌ها شکار استعمار و اشغال شوند.

«والله المستعان»





ارزش خون انسان!

عبدالله ایلیار

در ایـن اواخـر بعضـی رسـانه‌های کابـل و ملاهـای اجـاره‌ی اداره کابـل مقولـه‌ی ((قتـل انسـان نـزد خدا مشـکل‌تر از هـدم دنیاسـت)) را خیلـی بـا آب‌وتـاب داغ سـاخته می‌خواهنـد جهـاد مقـدس مـا را خونریـزی و عبـث وانمـود کننـد.

کلمـة الحـق یریـد بهـا الباطـل؛ از کلمـه حـق اسـتفاده‌ی سـوء نماینـد.

بلـی خـون ناحـق بدتـر از هـدم دنیاسـت، ارزش خـون یـک مسـلمان بزرگ‌تـر از ارزش کعبـه اسـت، هیـچ گناهـی بعـد از شرک همچـون گنـاه قتـل ناحـق یـک انسـان، وعیـدی را بـا خـود بـه همـراه نـدارد، قتـل از گناهـان کبیـره اسـت، هیـچ مسـلمان عاقلـی نـه اینکـه بـه انجـام ایـن کار اقـدام نمی‌کنـد بلکـه از عاملیـن ایـن جنایـت هـم نفـرت دارد و مـردودش می‌شـمارد.

قتـل ناحـق هیـچ انسـانی توجیه‌پذیـر نیسـت حتـی قتـل کفـار معاهـد و مسـالم، ایـن موقـف شرع مقدس اسـلام و موقـف رسـمی امـارت اسـلامی، هـر مجاهـد و هـر مسـلمان کلمـه گـوی اسـت؛ ولـی این‌همـه بـه ایـن مفهـوم نیسـت کـه مـا گیتـی را بـدون قتـل و قتـال در مخیلـه‌ی خـود ترسـیم کنیـم، دنیـا را مدینـه فاضلـه نـام گذاریـم؛ وقتـی نفـس، مـال، عقیـده، نامـوس و خـاک مـا مـورد تهدیـد و تجـاوز کفـار و بیگانـگان قـرار می‌گیـرد، بـرای مـا فـرض عیـن اسـت به‌خاطـر دفـاع از دیـن، خـاک، عـزت و نوامیـس خـود دسـت بـه ماشـه تفنـگ ببریـم و خـون بریزیـم! و دشـمن کـه به‌خاطـر قتـل مـا کمـر بسـته، مـا در حـد تـوان او را از خـود دور و از بیـن ببریـم. ایـن قتـل جایـز، حـق و دسـتور قـرآن و سـنت اسـت.

امـا عـده‌ای از مـردم کـه قضایـای افغانسـتان را از راه دور و از پشـت چوکی‌هـای نـرم هدیه‌شـده تجاوزگـران فقـط از عینـک تلویزیـون (بی‌بی‌سـی و CNN) یـا «طلـوع» و «خورشـید» و «آریانـا نیـوز» بررسـی می‌کننـد و از جهـاد و مقاومـت بـر حـق مـا بی‌خبرنـد و جنـگ مـردم افغانسـتان را در مقابل اشـغال



و تجاوز بیگانه، خونریزی و قتل حرام می‌شمارند و جنگ بین‌الافغانی محسوب می‌کنند؛ این خود دلالت به بی‌خبری از رنج و مصیبت امت اسلامی و ارزش‌های انسانی و دینی‌شان دارد.

بعضی از علمای درباری و دالری اداره کابل که از آب‌گوشت کفار نشخوار می‌کنند و خود لجام‌کش تجاوز کفارند قضایا را وارونه جلوه داده به بیرون انعکاس می‌دهند و حتی بعضی از علمای را که از قضایای افغانستان بی‌خبرند به شک و تردید و گمراهی قرار می دهند...

از این عالی‌جنابان می‌پرسم.

چرا به اثر بمبارد طیاره‌های امریکا و گلوله‌باران توپ‌های جی سی در قراء و قصبات افغانستان مدارس دینی و کلبه‌های مسکونی مردم بی‌دفاع صدها طفل و زن و پیر و جوان به خون می‌غلتند و اجساد پاکشان با خاک و دود باروت عجین می‌شود و به شهادت می‌رسند، آب از آب تکان نمی‌خورد، هم رسانه خاموش و هم این افسانه‌سازان ساکت‌اند و هم عالم و روشنفکر لب باز نمی‌کنند؟

حتی گاه‌گاهی همین منتقدین جنگ از عاملان و قاتلان حقیقی و همکاران کفار بی‌شرمانه با نام و نشان دفاع می‌کنند...

اما وقتی انفجاری در یک چهارراهی و یا جای دیگر در بین مردم آن‌هم به ذریعه خود همین خارجی‌ها و اعوان داخلی‌شان به خاطر بدنام‌سازی مقاومت مشروع طالبان به وقوع می‌پیوندد، همه بوق‌ها به صدا می‌آید و انزجار و نفرت سرازیر می‌شود.

همه از خون می‌ترسند و همه به یاد دوزخ می ا فتند ؟

عجیب دوگانگی و بی‌انصافی؟

بلی ما از خون ناحق بیزاریم...

ولی جنگ که بر ما تحمیل شده.

پاسخ این جنگ را با افتخار ادامه می‌دهیم تا اهتزاز بیرق سفید توحید بر فراز قله‌هایی هندوکش و جهان.

جنگی که ما مجاهدین به خاطر دفاع از اسلام و قرآن و میهن به راه انداخته‌ایم جنگ بر حق و بازگشای دروازه‌های بهشت است.

احیایی عزت ازدست‌رفته ما در دنیاست.

خون ما آب حیات درخت اسلام است.

و این جنگ تا قیام قیامت ادامه دارد...



د شهيد وحيد مژده لومړی تلين

✍ سمیع الله زرمتی

دنيا په فساد او فتنو کې غرقه ده، کفري نړۍ چې پخوا لا له حق نه بيګانه وه اوس يې له دين او خداباوري سره هم مخه ښه کړې، لرغون ځيرونکي يې تړوله هڅه کوي چې څرنګه ځانونه د بيزو اولاد ثابت او د آدميت له شرافته ځان خلاص کړي. خو که راشو اسلامي نړۍ ته، دلته هم دين تر دې حده بيچاره دی چې حتی له حرمينو شريفينو د قرآن کريم نسخې تړولې شوې دي. باب جبريل، باب السلام او نورې دروازې دا يو کال بندې دي. بهانه يې پيدا کړې وايي کرونا ده، مسجد ته مه ځئ او که ځئ نو په سختو شرطونو درته اجازه ده، خو بلخوا بازارونه خلاص، مارکيټونه ډک او د نجونو د فوټبال ټورنامنټ له زرګونو نندارچيانو سره په درز کې جريان لري. کله چې د کرونا د يو کال قدغن په مهال خلک له دين او مسجد څخه پوره بيګانه نه شول اوس وايي د کرونا دوهمه څپه راروانه ده. دوی پوهيږي چې دا د آخرالزمان مسلمانان چې دوه کاله له مسجد، حج، عمرې، تلاوت او عباداته بند شي نو خپله يې خدای هيريږي او د بې دينۍ په لاره روانيږي.

په هر حال خبره مې دا کوله چې دين او ديانت تر وروستي حده مظلوم دی. اسلامي نړۍ د بې دينۍ، بې لمانځۍ، فسق او فحشاء خونړيو څپو لاندې کړې. يو کوچنۍ جزيره چې لا يې عام ولس لمانځه، عبادت او په دين غيرت ته عملي تعهد لري هغه د افغانستان مؤمن ولس دی. خو په دې ولس پسې هم ټولو کفارو او تش په نامه مسلمانو پايخې رابډوهلي دي چې څرنګه يې له دينه پردی کړي.

خو د بې دينۍ د دې نړيوال توپان په مقابل کې د رښتينو مؤمنانو يوه کوچنۍ ډله په تش لاس مقاومت کوي. دا مقاومت چېرته د وسلوال جهاد په بڼه دی. چېرته د قلمي او ګفتاري مبارزې په بڼه، چېرته د کلي، مسجد او کورنۍ په کچه او هغه تر ټولو کمزوري يې هغه دي چې د خپل زړه دننه د هوس او شيطان له غوښتنو سره په مقابله بوخت دي او هڅه کوي خپله پاکه عقيده تر خوندي وساتي.

لکه رسول الله صلی الله عليه وسلم چې فرمايلي وو، چې بداء الاسلام غريبا و سيعود که بداء فطوبی للغرباء. اسلام غريب پيل شوی، بيا به هم غريب شي خو غريبانو لره لوی بشارت دی. د غريب اسلام د معاصرو غريبو مدافعينو له جملې يو هم شهيد احمد وحيد مژده و. بنايي

ځینې استدلال وکړي چې مژده پوره اتلس کاله د یوه بې دینه نظام تر سایه لاندې ژوند کاوه. خو زه پوهیږم چې له دغسې موقعیته د حق او حقپالو ملګرتیا او د ایمان رسی محکم ساتل تر ټولو سخت ترین کار دی.

مژده هغه څوک و چې حتی په ۲۰۰۴م کال کې یې د مجاهدینو (عزم) مجلې ته په مستعار نوم لیکنې کولې او وروسته زه شاهد یم چې همیشه یې په ډېر اخلاص او د قربانۍ او خدمت په جذبه د اسلامي امارت له فرهنګي کمیسیون سره خپلې مشورې شریکولې. زما په یاد دي چې د فرهنګي کمیسیون مرستیال مرحوم سید محمد حقاني صاحب به له شهید مژده سره اوږده اوږده ټیلفوني مجلسونه کول او مژده صاحب صاحب قلبا او روحا ځان د نړیوال کفر او اشغال په وړاندې د مقابلې د ډګر مجاهد باله.

دا ښايي زموږ لپاره د درک وړ نه وي چې مژده صاحب به د خپل همدې ایماني موقف له امله څومره خطرونه، پیغورونه او تکالیف برداشت کړي و. د دښمن له منځه د دښمن پر ضد مبارزه خورا لوی عزم او متانت غواړي. یو چا مثال ورکاوه دا داسې مثال لري لکه ټول خلک چې د مسجد له دروازې وځي او تنها ته مسجد ته ننوځي. نو مجبور یې چې ډېر لوی مقاومت ته اوږه ورکړې. هلته چې هر مجلس، هر پروګرام، هر دفتر، هره رسنۍ بلکې مطلق اکثریت خلک په یوه خوا رغړي. د اشغال او حاکم سیکولرزم د ملاتړ سرینده غږوي. خو تا یې په وړاندې بله زمزمه پیل کړي وي، چې بیا د همدې مخالفت په تور د جاسوس، اجیر، پردیپال، عقبګرا، تروریست او نور الزامونه هم دربانده لګیږي نو په وړاندې یې کلونه کلونه مقاومت د هر چا کار نه دی.

شهید مژده اوس زموږ په منځ کې نشته، هغه د همدې دیانت او ایماني موقف په تور د مسجد تر څنګ وویشتل شو. خو دا وایم چې هغه واقعا بختور و. ځکه هغه د اسلام او دیانت په ننګه او له کفري اشغال سره د مخالفت په تور خپله وینه ورکړه.

په کابل کې شپږ میلیونه خلک اوسي، بختور هغه دي چې الله تعالی د شهید مژده په شان ایمان

** شهید مژده اوس زموږ په منځ کې نشته، هغه د همدې دیانت او ایماني موقف په تور د مسجد تر څنګ وویشتل شو. خو دا وایم چې هغه واقعا بختور و. ځکه هغه د اسلام او دیانت په ننګه او له کفري اشغال سره د مخالفت په تور خپله وینه ورکړه.

** زما په یاد دي چې د فرهنګي کمیسیون مرستیال مرحوم سید محمد حقاني صاحب به له شهید مژده سره اوږده اوږده ټیلفوني مجلسونه کول او مژده صاحب صاحب قلبا او روحا ځان د نړیوال کفر او اشغال په وړاندې د مقابلې د ډګر مجاهد باله.

او عزم ور نصیب کړی وي، هغوی چې د وخت ساز او د حالاتو مسیر ته نه ګوري بلکې خپلې عقیدې او د اسلام مبادئو ته نظر کوي. د الهي آزموینې، د کفر او اسلام د تلپاتې معرکې فلسفه په یاد ساتي او دا نړۍ ورته د الهي آزموینې صالون ښکاري.

شهید مژده واقعا بختور و، چې د سعادت ژوند او د شهادت مرګ یې نصیب شو. ښايي دا به د ده ځاني کمال نه بلکې په ده د الله تعالی پیرزوینه وه، چې په سخت امتحان کې کامیاب راووت. شاعر ویلي:

اګر ز جانب معشوق نباشد کششی

کوشش عاشق بیچاره بجایی نرسد

او د پای خبره دا چې:

این سعادت بزور بازو نیست

تا نبخشد خدای بخشنده

رحمه الله و تقبل شهادته. آمین یا رب العلمین



زنان و نقش برجسته‌شان در جهاد

منیر احمد منیر

مدار برتری در دین اسلام مرد بودن و یا زن بودن نیست. چه‌بسا زنانی که هزاران بار برتر از مردان هستند. همسر عمران، حنّه علیهاالسلام از خداوند متعال فرزندی خواست که از مشاغل دنیا دور و خادم بیت‌المقدس گردد؛ خداوند متعال اما به او دختری داد؛ ایشان به‌صورت بیان عذری به پیشگاه الهی گفتند: خدایا من که دختری زادم! (شاید نتواند خدمت خانه‌ات را بکند) اما خداوند متعال فرزند حنه، مریم علیها السلام را چنان مرتبه‌ای داد که کسی از پارسایان و زاهدان به گردپای او نمی‌رسد.

پس مدار برتری، تقواست. مدار برتری عبادت خداوند و خدمت خالصانه به خلق خداست.

اگرچه زنان ازنظر فیزیکی نسبت به مردان ضعیف‌ترند؛ اما در لابه‌لای صفحات تاریخ خود ما زنانی را داریم که عاشقانه در راه جهاد و شهادت - که از سخت‌ترین اعمال و برترین اعمال در دین اسلام است - شرکت جسته‌اند و همانند بسیاری از مردان و جوانانِ سُست‌اراده، شانه از این بار سنگین، خالی نکرده‌اند.

آری، همان‌گونه که جوانان و مردان، بازوهای قدرتمندی برای نشر و دفاع از اسلام بوده و نقش مهمی را در طول تاریخ بازی کرده‌اند؛ زنان نیز از این قاعده مستثنا نبوده و بهرهٔ وافری را نصیب خود نموده‌اند. در درازای تاریخ زرین ما، زنان شجاع و دلیری بوده‌اند که نقش برجسته و مهمی را از خود بجا گذاشته‌اند؛ تا جایی که نقش آنان در بسیاری از جنگ‌ها، نقشی محوری و اساسی بوده است.

صبر زنان مجاهدان بر نان و نفقهٔ کم، پرورش اولاد مجاهدان به‌گونه‌ای خوب، تحمل هجرت و مشکلات آن در راه سخت و پرپیچ‌وخم جهاد، چیزی نیست که از آن چشم‌پوشی شود؛ بلکه اساس دلگرمی و پشتکاری آن مجاهد است.

شما اگر هر مجاهدی را در نظر بگیرید که چنین و چنان قربانی داده است، ضرورتاً به این امر باید اذعان بکنید که او دارای مادر، خواهر، همسر و دختری بوده است که با حمایت تمام‌عیار آنان، این مجاهد توانسته است تا به‌راحتی و با سینه‌ای فارغ‌البال وارد صحنهٔ جهاد بشود و از پشت سر دلگرم باشد.

چنان مادرانی را هم سراغ داریم که برای جهاد و شهادت، از میان فرزندانش داوطلب می‌خواست و بعد از مدتی که آن جوان با مادرش تماس می‌گیرد و هنوز زنده است، مادرش افسوس می‌خورد که هنوز شهید نشده است!

آری، مادران و خواهرانی را سراغ داریم که عاشقان شهادت بوده‌اند. دختری را سراغ دارم که خواهان ازدواج با یک مجاهد شهادت‌طلب بود؛ به‌شرط اینکه بعد از سپری کردن مدت‌زمانی کوتاه، هر دو دست به عملیات شهادت‌طلبانه بزنند و چنین هم کردند؛ دشمنان زیادی را در کنار هم، به کام مرگ کشاندند.

مادران و زنانی را ما داشته‌ایم که در عین بمباردمان دشمنان و در بحبوحهٔ مشکلات، به یاری مجاهدان جسته‌اند، نان پخته‌اند، لباس شسته‌اند، وسایل جنگی و سلاح‌ها را بر شانه‌های خود انتقال داده‌اند و در بسیاری از موارد به کارهایی خیلی خطرآفرین دست زده‌اند که سبب کشتار زیادی از دشمنان گشته‌اند؛ اما کار آنان را فقط خدا می‌داند.

بسیاری از زنان و خواهران مجاهد ما هستند که در حال حاضر نیز در چنگال ددمنشان در اسارت به سر می‌برند. همچنان زنانی بوده‌اند که خودجوش و خودسرانه و بدون کدام رهبریتی با اسلحه و نارنجک‌ها بر دشمنان حمله‌ور شده‌اند.

در یکی از ولایت‌های مرکزی به‌خاطر امری رفته بودیم و مجاهدان منطقه تعریف می‌کردند که در فلان جنگ که دشمنان بر منطقهٔ ما حمله کردند و ما به مقاومت شدید پرداختیم و آن‌ها شکست خوردند، غنائم زیادی به دست مجاهدان افتاد؛ تعدادی از زنان نیز در بخش غنائم با ما سهیم بودند؛ زیرا آن‌ها نیز با گرفتن اسلحه، به مقابله با دشمنان پرداخته بودند و در شکست آنان نقش داشته‌اند.

در میان زنان صحابه نیز، تاریخ کسانی را ثبت کرده است که با شرکت مستقیم در جنگ و نبرد علیه طاغوت پرستان عصر، سهم بزرگی را از آن خود کرده‌اند.

زنان، تربیت‌کنندگان و نیروهای پشتیبانی مجاهدان‌اند و چه‌بسا در وقت ضرورت به خط‌های مقدم نیز خود را رسانیده‌اند.



سرپرستی خانوادۀ شهدا

سعدالله سعیدی

با ورود اشغالگران به کشور عزیزمان افغانستان و یاری رساندن آن‌ها توسط بعضی از هم‌وطنان ما، دور جدیدی از جنگ و جهاد در راه الله متعال شروع شد و افغانستان صفحه‌ای جدید، مملو از جنایت‌های دشمنان اسلام و فداکاری‌های ملت افغان بروی خود گشود. صفحه‌ای که آغشته با خیانت‌های ادارۀ کابل و کشتار بی‌رویۀ مردم بی‌گناه بود و این طبیعت جنگ هست که در خود قتل و کشتار، فقر و فاقه، بی‌سرپرست ماندن بسیاری از خانواده‌ها و صدها درد و رنج دیگر را در بردارد.

لذا از تبعات جنگ، بی‌سرپرست شدن بسیاری از خانواده‌ها و یتیم‌شدن بسیاری از اطفال و کودکان بود و ملت افغان شاهد جمع عظیمی از یتیمان و بینوایان هست.

با افزایش یتیمان بر هر مسلمان روشن‌ضمیر لازم است که در حد توان خود، در مسیر کمک به بی‌سرپرستان و اطفالی که پدرانشان را در راه دفاع از خاک، ناموس و وطن‌شان از دست داده‌اند، گامی مثبت بردارد و هرقدر که توان او و هست به آن‌ها کمک کند و آن‌ها را سرپرستی و مورد رعایت قرار دهد و در این امر عظیم، از آن‌حضرت تبعیت کند.

قال رسول‌الله صلی‌الله علیه وسلم: أنا وكافلُ اليَتيم كَهاتَين في الجَنَّة إذا اتَّقَى اللّهَ عَزَّ و جلَّ ـ وأشارَ بِالسَّبّابَةِ و الوُسطَى ـ حدَيث

پیامبر خدا صلی‌الله علیه وسلم فرمودند: (آن‌گاه که انگشت اشاره و میانی خود را نشان داد) فرمود: من و سرپرست یتیم (درصورتی‌که از خداوند عزّوجلّ پروا کند) در بهشت مانند این دو [انگشت کنار هم] هستیم.

از عبدالله بن جعفر رضی‌الله‌عنهما روایت است که می‌گوید: رسول‌الله صلی‌الله علیه وسلم پس از گذشت سه روز از شهادت جعفر نزد خانواده‌ی وی آمد و فَرمود: «لا تَبْكُوا عَلَى أخِي بَعْدَ اليَوْمِ»: «از امروز به بعد بر برادرم گریه نکنید»؛ سپس فرمود: «ادْعُوا لي بَني أَخِي»: «پسران برادرم را نزدم بیاورید». ما را که مانند بَچه‌های پرندگان - موهای آشفته‌ای داشتیم - آوردند. فرمود: «ادْعُوا لي الحَلاّقَ»: «سلمانی را به نزدم فراخوانید» و آنگاه به سلمانی دستور داد که سرهای ما را بتراشد و او هم این کار را انجام داد.

آن حضرت «صلی‌الله علیه وسلم « قولاً و عملاً بازماندگان شهدا را مورد عنایت قرار می‌دادند، به آن‌ها و اوضاع معیشتی‌شان رسیدگی می‌کردند و همواره بر این امر تأکید زیادی داشتند تا این حد که جایگاه سرپرست یتیم را نزدیک به جایگاه خودشان اعلام کردند.

شهدایمان همان‌هایی بودند که در برابر ظلم و جنایت‌های دشمنان اسلام و اشغالگران قیام کردند، از جان و مال و زندگی‌شان گذشتند و مصداق قول شاعر بودند که می‌گوید:

ما تن به فنا دادیم/تازنده شما باشید

آن‌ها به‌خاطر ملت، آرمان‌ها و اهداف موردنظرشان جان به جان‌آفرین تسلیم کردند و به‌خاطر رفع ظلم از روی ما، جان خود را فدا کردند، پس جا دارد ما با تمام وجود تمام سعی و تلاشمان را بکنیم تا اندکی از حق آن‌ها را با سرپرستی خانواده و فرزندان یتیمشان ادا کنیم و تا اجر بسیار زیادی که در این عمل نیک نهفته هست را دریابیم.



هنگامه طلوع

✍ خالد خوارزمی

سخنی از مجاهدان و مبارزان برای مردم کشور

در این وقت حساس و آخرین روزهای اشغال گفته‌ها و ناگفته‌های از مردم

سخنی از مجاهدان و مبارزان برای مردم کشور در این وقت حساس و آخرین روزهای اشغال گفته‌ها و ناگفته‌های از مردم.

صبور باشید! اندکی بعد آفتاب صلح و آرامش در کناره‌های افق میهنمان پرتو افگند خواهد شد.

پدر موی سفید و کمر خمیده‌ای سرزمینم، اگر بگویی پسر جوانم را در این راه (راه جهاد و مقاومت) قربان کردم، برادرم به کاروان شهدا پیوسته است اما هیچ‌کسی نیست که روی آتش جنگ آبی بپاشد تا خاموش شود.

ای پدر! ما تو را حق‌به‌جانب می‌دانیم.

مادر پیچه سفید وطنم دردهای شمارا نیز احساس می‌کنیم؛ چون شما جگرگوشه و فرزندان دلبندتان را در این راه فدا نموده‌اید، باکی بر شما نیست که اگر علیه مبارزان انگشت انتقاد بگذاری.

اطفال نازنین کشورم! آه و ناله‌های شما هر لحظه در فضای وطن می‌پیچد بر گوش‌ها طنین‌انداز می‌شود. می‌دانم درد بی‌مادری دشوار است و در سوگ پدر نشستن دشوارتر از آن است.

گلایه‌های شما به اینکه خون پدران ما چه وقت نتیجه خواهد داد؟ بالای دیده‌هایمان جا دارد.

بازرگانان سرزمینم شما هم نیز حق‌به‌جانب هستید؛ اگر بگوئید که در این سال‌های مبارزه سرمایه‌های زیادی را هزینه کردیم، اما تا هنوز اشغالگران بازار تجارت را کساد کرده سودی به

دست نیاورده‌ایم.
فرهنگیان (طلبه‌ها عزیز و علماء بزرگوار، محصلین ارجمند و اساتید پوهنتون و مکاتب) عزیزانم! اگر شما درد دلتان را با خون‌دل نوشته و اشتراک می‌گذارید و درباره مبارزان و مجاهدان وطن حرف حدیث‌های می‌گویید تقصیر شما نیست.
خلاصه!
هم‌وطنان عزیزم! اگر شما از فرزندانتان که در میادین جهاد و مقاومت در مقابل اشغالگران مردانه‌وار ایستادگی کردند، پوزه‌شان را به خاک مالیدند، رنجورید و می‌گویید هنوز نسیم صبحگاهی آرامش و صلح بر ما نوزیده است.
این شب تار اشغال کی به پایان می‌رسد، ما تا کی منتظر سپیده صبح باشیم؟
آری!
سخنان همه‌تان صواب است؛ اما خطاب ما مبارزان برای شما عزیزان، این است که شب اشغال به پایان رسیده و صبح امید طلوع کرده، آوایی آزادی و استقلال در این هنگامه مثل صدای مرغ بیدارگر سحر گوش‌ها را می‌نوازد.
پس صبور باشید! اندکی بعد تاریکی‌های اشغال و استبداد برچیده می‌شود، آفتاب آرامش و صلح در کناره افق سرزمینمان نمایان خواهد شد، روشنایی امید فراگیر می‌شود.
وقت آن می‌رسد که همه‌تان از نور خورشید آزادی و صلح و صفا بهره می‌بریم، چهره‌های غارتگر و دزد که در زیر لانه‌های تاریکی شب اشغال پنهان بودند، در زیر تابش نور خورشید برملا خواهد شد.
بلی!
روزی می‌رسد همه چیز ازسرنو روبه‌رشد، ترقی و تعالی روی می‌آورد.
بار دیگر می‌گوییم، صبور باشید! روزی فرا می‌رسد، هلهله خنده‌ها و شادی‌تان، در کوچه و پس‌کوچه شهرها می‌پیچد.
ان‌شاءالله از فرط خوشی و خوشحالی همدیگر را به آغوش خواهیم کشید و به یاری خدا از کاروان تکنولوژی نه‌تنها عقب نخواهیم ماند، بلکه به حدی جلو خواهیم رفت که دیگران رشک ببرند.
و شما به فرزندان مبارزتان افتخار می‌کنید و اسم شهدای آزادی را با آب طلا خواهید نوشت؛
لذا به صدای شاه‌پرک‌های ارگ و اداره کابل که به بردگی عادت کرده‌اند و تاوان دید نور خورشید آزادی و استقلال را ندارند گوش ندهید.
از تأنی کار بگیرید، در این مورد زود قضاوت نکنید.
صبور باشید!

(فاصبر صبرا جمیلا)





موترسیکلان زنده باد!

ابو صهیب حقانی

چندی قبل در یک حمله در ولایت فاریاب که طی آن قوماندان رئیس که گفته می‌شود یکی از افسران خیلی قابل‌اعتماد و فرد نزدیک به جنرال/مارشال دوستم بود کشته شد و مرگ رئیس و عساکر همراهش برجنرال/مارشال دوستم گران تمام شد و وی را به‌شدت خشمگین ساخت که در یک مصاحبهٔ ویدیویی بسیار جالب به مشکلات و چالش‌های روزافزون امنیتی اشاره کرده و پیشروی‌های اخیر طالبان در نقاط مختلف کشور و بالخصوص در صفحات شمال را با عقل و منطق در خلاف دیده و تعجب‌زده می‌گوید چگونه ممکن است با آن‌همه ارتش (قوای تا دندان مسلح هوایی و زمینی) حمایت قاطع نیروهای خارجی، استخبارات و سایر امکانات حکومتی که در دسترس نیروهای خارجی و داخلی است باز هم طالبان در جنگ، دست بالا را داشته باشند و همه را محکوم به شکست بکنند؛ و نیز در ادامه گفتگویش با افتخار یاد می‌کند که بارها در ملاقات‌های خصوصی و عمومی خود با جنرال‌ها و افسران آمریکایی این موضوع را به شکل طعنه‌آمیز یاد کرده که شما واقعاً چگونه این شکست‌ها را می‌توانید برداشت و تحمل کنید و می‌گوید «کله من پندیدگی است» یعنی (هنگ کرده و عقل من درست جواب نمی‌دهد) که چهار طالب موتر سیکل سوار تمام ارتش و قدرت اول جهان را شکست داده باشد.

او سپس به گمان خود به خاطر انگیزه دادن و سر احساسات آوردن نیروهای خارجی می‌گوید به آن‌ها (به جنرال‌های ناتو و امریکا) گفتم شما زمانی که به خانه برگردید اولاد شما اگر پرسان کند آقا جنگ چی رقم شد و شما بگویید ها ولا ما از دست طالبان شکست خوردیم و این یعنی اینکه ابرقدرت جهان از موترسیکل شکست خورده است؛ اینجاست که هر افغان با ایمان و با احساس ناخودآگاه خواهد گفت زنده باد موترسیکلان و موترسیکل سواران قهرمان!

جنرال/مارشال دوستم خیال می‌کند خارجی‌ها به اندازهٔ او هم جنگ را نمی‌دانند یا طالب و مجاهد را نمی‌شناسند یا از مشکلات جنگ جاری در افغانستان خبر ندارند یا اینکه این جنگ به این راحتی و آسانی است که جنرال/مارشال دوستم میگوید بلکه آن‌ها خیلی خوب‌تر از جنرال/مارشال دوستم هم جنگ را خوب بلد هستند هم از تاکتیک‌های نظامی آگاه‌اند و هم استعداد و توان نظامی خود را سنجیده می‌دانند



که در برابر ایمان طالب یا مجاهد تا چه حد توان و قدرت آن‌ها جوابگویی دارد؛ و بلکه درواقع این جنرال/ مارشال دوستم است که از ادبیات ابتدایی چنین جنگ‌های مهم ناخبر است و این اوست که نمی‌داند موترسیکل که سهل است حتی اگر طالب یا مجاهد با پای پیاده و حتی اگر به‌جای کلاشینکف زنگ‌زدهٔ با چوب‌دستی به جنگ باطل می‌رفتند چون‌که توکلشان بر ذات خداوند قهار است و چون‌که وجود آن‌ها مالامال از غیرت و ایمان است بالاخره دست‌آخر بازهم آن‌ها پیروز می‌شدند و لو که جانب مقابل از بهترین اسلحه و تکنالوجوی جنگی روز دنیا برخوردار بوده و از نظر تعداد نیروی انسانی در حجم کلان‌تر قرار داشته باشند چون این وعدهٔ حق در کلام ازلی با مؤمنین است که اگر مؤمنین، مؤمنین واقعی بوده و توکل و اتکایشان به خداوند متعال، قوی، راسخ و مستحکم باشد در هرحال پیروزی نهایی از آنِ آن‌هاست حالا اگر گاهی دیر و زود شود اما وعدَهٔ حق بدون شک (که همانا پیروزی مؤمنان بر اباطیل زمان است) تحقق می‌یابد.

متأسفانه خوی جنگ‌جویی بعضی افراد (امثال جنرال/مارشال دوستم) تا هنوز در قتل و کشتار ملت و مردم عزیز کشور گویا اشباع نشده است و آن‌ها هنوز مثل سران ادارهٔ کابل فکر می‌کنند می‌شود با تشدید جنگ‌ها بر مجاهدین یا طالبان به کمترین پیروزی برسند حالان که نمی‌دانند نخست در شرایط فعلی که از یک‌طرف بانگ صلح و آشتی را سر داده و تیم منسوب به آن‌ها در مذاکرات قرار دارد باید ادبیات خود را عوض می‌کردند؛ و در قدم دوم آن‌ها نباید هرگز در شرایط فعلی با استفاده از هر فرصت و چینلی به خاطر اهداف و منافع شخصی و گروهی خود بر شعله‌های جنگ دمیده و هنوز که هنوز هست افغانستان مظلوم را به سوی بحران، تداوم جنگ و خونریزی سوق بدهند؛ این در واقع نشان می‌دهد درحالی‌که اشغالگران خارجی حقایق میدانی جنگ افغانستان را درک کرده، هستند متأسفانه تا هنوز کسانی که گویا تداوم قتل و کشتار در افغانستان برایشان اهمیت نداشته و مثل آنچه که جنرال/مارشال دوستم در سخنان خود اشاره کرده حتی سعی می‌کنند خارجی‌ها را نسبت به تداوم جنگ با حرف‌های به‌اصطلاح احساساتی خود سر ننگ و خشم آورده و انگیزه دهند؛ حالانکه نمی‌دانند خارجی‌ها به نسبت آن داخلی‌های جنگ‌طلب خیلی خوب ابعاد مختلف جنگ افغانستان را در مقیاس‌های گوناگون درک کرده و عاقلانه مثل هر فرمانده شکست‌خورده می‌دانند که عاقبت این جنگ هر چه باشد نتیجه‌اش اما جز دردسر و آبروریزی و شرمساری تاریخی چیزی در پی نداشته و اینک خیلی خسته‌تر و آزرده‌تر از آنانند که فرض مثال بخواهند به سخنان تحریک‌آمیز و جنگ‌طلبانهٔ دوستم گوش بدهند چون هرگز اینک این جنگ خانمان‌سوز بیست‌ساله را مثل سال‌های ابتدایی فکر نمی‌کنند.

به امید پیروزی‌های روزافزون و مستدام در گوشه‌کنار افغانستان عزیز





بخش دوم

جهاد معاصر افغانستان از نگاه شریعت

زن در نظام اسلامی و جمهوری سیکولار

مفتی عبدالله رشاد افغانی
ترجمه: حبیب‌زاده

حقوق زنان در نظام اسلامی:

در قانون اسلامی، چنانکه مردان صاحبان حقوق هستند، زنان نیز حقوق خاصی دارند. البته، اسلام چون دین فطرت است، همه احکام آن موافق با سرشت و طبیعت انسان است. بنا برین برای زنان نیز حقوقی قائل شده است که با سرشت و طبیعت آنان سازگار است.

جامعه غربی که بر اساس خواهشات نفسانی و بر اصول سیکولاریسم تشکیل یافته است، مزاج، طبیعت و فطرت زنان را در ساختار قانون اهمیت نداده و از حقوق زنان تنها استفاده ابزاری کرده است. از همین است که اکنون زنان غرب به‌صراحت می‌گویند در غرب به حقوق زنان ارج گذاشته نمی‌شود و آنجا زنان زندگی داخل خانه را بر زندگی بیرون از خانه ترجیح می‌دهند. نظام خانوادگی در جامعه غربی از بین رفته است. زن در خانه شوهر نیز مکلف است که باید برای خود پول کمایی کند، اما بالعکس، زنان در جامعه اسلامی به نگاه قدر دیده می‌شوند و نفقه، خانه و خدمت آنان بر شوهر لازم است.

نظام اسلامی و آزادی اقتصادی زنان:

در جامعه اسلامی، زنان همچون مردان حق مالکیت مال خود را دارند. بنا برین زن می‌تواند تجارت کند و یا از راه زراعت و تعلیم منافع خود را به دست بیاورد.

همچنان زن از شوهر خود حق مهر می‌گیرد. اسلام برای زنان حق کامل مهر را بخشیده است. در مهر زنان؛ نه پدر، نه برادر، نه شوهر و نه هم کسی دیگری حق دارد که تصرف بکند.

ام‌المؤمنین خدیجة الکبری - رضی الله عنها - همسر پیامبر صلی‌الله علیه و سلم تجارت بزرگی

بین حجاز و شام داشت.

مردان و زنان هر دو پایبند اخلاق اسلامی و قوانین شرعی هستند. زن خواه در عرصه آموزش باشد و یا تجارت، پرده شرعی را رعایت می‌کند و از اختلاط با غیر محارم خودداری می‌کند و بدون محرم سفر نمی‌کند.

زیرا ملحوظ نداشتن پرده، اختلاط با بیگانگان و سفر بدون محارم، خواه برای درس و تدریس باشد، یا تجارت و یا بهانه دیگری مثلاً اشتراک در کنفرانس‌های ملی و بین‌المللی، این‌همه ظلم در حق زنان است. اسلام برای مصونیت حقوق زنان، زنا را ظلم و جرم بزرگ خوانده است، بناءً آن راه‌های را هم مسدود نموده است که سبب زنا می‌گردد. «سدّ الذرائع» اصل بزرگ در فقه اسلامی است.

زن حق میراث دارد:

زن در میراث همچو مردان حق خود را می‌گیرد. زنان پیش از اسلام در میراث حق نداشتند، اما اسلام بنا بر نظام عادلانه خود برای زنان حق میراث داد و از مال پدر، شوهر، برادر و مادر با در نظرداشتن شرایط، سهم خود را می‌گیرد.

حق نفقه و خانه زن بر شوهر:

اسلام نسبت به هر دین دیگر به حقوق زنان بیشتر متعهد است. زن در اسلام بر شوهر حق دارد که برایش خانه و نفقه بدهد.

حقوق پرورش اولاد:

زن اگر طلاق هم داده شود، بازهم حق حضانت اولاد را دارد، مگر اینکه موانع شرعی موجود باشد.

زن حق آموزش دارد:

زن همچو مرد حق آموزش دارد. زن مثل مرد می‌تواند رشته دلخواه تحصیلی را برای خود انتخاب کند. البته، به‌شرط اینکه دیگر حقوق شرعی ضایع نگردد. مثلاً پرده را لحاظ می‌کند، از اختلاط با مردان نامحرم خودداری می‌کند و دیگر مقررات شرعی.

حق زن در انتخاب شوهر:

زن می‌تواند شریک زندگی خود را خودش انتخاب کند. هیچ‌کسی از راه جبر و اکراه بر وی کسی را به حیث شوهر تحمیل نمی‌تواند.

رسول‌الله صلی‌الله علیه و سلم فرموده است: «الثیب أحق بنفسها من ولیها والبکر تستأذن فی نفسها» یعنی: زن بیوه باشد یا باکره، به اختیار خود شوهر انتخاب می‌تواند.

احترام به زنان:

اسلام آن مردی را مؤمن کامل خوانده است که با زن خود برخورد نیکو داشته باشد. رسول‌الله صلی‌الله علیه و سلم می‌فرماید: مؤمن کامل کسی است که اخلاق نیکو داشته باشد و از میان شما بهتر کسی است که با زن خود خوب باشد.

اما این‌همه حقوق، زمانی می‌تواند عملی شود که ما دارای نظام واقعی و مستقل اسلامی باشیم و موافق شریعت حقوق زنان را بدهیم. حق زنان تنها در سطح شعار نباشد. یکی از فجایع اشغال این هم است که ما به گونه غیرارادی از آمدن نظام اسلامی جلوگیری می‌کنیم و نظام جمهوری سیکولار را بر نظام اسلامی ترجیح می‌دهیم. حال این است که سیکولاریسم اکنون در جامعه غربی نیز به سکه نابکار تبدیل شده است.

در بخش آینده بر این بحث می‌کنیم که جامعه غربی تحت شعار آزادی زنان چه اهدافی را دنبال می کنند؟

ادامه دارد ...



وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ

پدیدۀ زشت دشنام و بدزبانی

حکمت الله حکمت

یکی از عادات بسیار زشت و بد که در جای‌جای جامعه دیده می‌شود، عادت قبیح فحش دادن و بدزبانی است. پای در بازار می‌گذاری یا مکتب، به مجلسی در خانه‌ای می‌روی یا سر در موبایل فرو می‌بری و در فیس‌بوک و... چرخی می‌زنی، متأسفانه با انواع دشنام‌ها و کلمات زشت و رکیک مواجه می‌شوی که از خواندن و شنیدن آن‌ها موی بر بدن سیخ می‌شود. این در حالی است که رسول مکرم (صلی الله علیه وسلم) در احادیث متعدد از سب و دشنام و بدزبانی منع فرموده و در مورد خود ایشان آمده که دشنام دهنده و نفرین کننده نبوده‌اند. علاوه بر این حدیث‌ها، حتی خداوند متعال در قرآن از سب و دشنام خدایان باطله کفار نیز منع فرموده‌اند.

بی‌بی عایشه (رضی الله عنها) در وصف اخلاقی پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) می‌گوید: «كان أحسن الناس خلقا، لم يكن فاحشا ولا متفحشا، ولا صخابا في الأسواق، ولا يجزي بالسيئة السيئة، ولكن يعفو ويصفح؛ خوش‌خوترین مردمان بود؛ نه دشنام می‌داد و نه بدزبانی می‌کرد و نه در کوچه و بازار هیاهو به راه می‌انداخت و نه بدی را به بدی جبران می‌کرد، بلکه می‌بخشید و گذشت می‌کرد.»

فحش در عربی به عمل بد در کردار و گفتار گفته می‌شود. چنانکه در حدیثی آمده است که بدترین مردمان کسی است که دیگران از او دوری اختیار کنند به سبب محفوظ نمودن و نجات خود از فحش او. همچنین مفهوم ارشاد گرامی آن‌حضرت (صلی الله علیه وسلم) است که الله تعالی فحش دهنده را نمی‌پسندد و از آن نفرت دارد. یک حدیث شریف مشهور است که دشنام دادن مسلمان فسق است و جنگیدن با او کفر

می‌باشد. همچنین دو شخص که یکدیگر را دشنام می‌دهند در حدیث رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) شیطان خوانده‌شده‌اند. علاوه برایـن در حدیثی وارد شده که آیا می‌دانید مفلس و ورشکسته (حقیقی) چه کسی است؟ سپس در ادامه آمده مفلس واقعی کسی است که روز قیامت با اعمالی نیک مثل نماز و روزه و زکات می‌آید درحالی‌که به این‌وآن دشنام داده یا تهمت‌زده است. الله تعالی از اعمال نیک این فرد دشنام دهنده به آن افراد می‌دهد که مورد سب و شتم قرارگرفته‌اند تا اینکه حسنات و نیکی‌هایش تمام می‌شوند. لهذا الله تعالی که حکیم عادل است، بدی‌ها و گناهان افرادی را که دشنام خورده‌اند، به این دشنام دهنده می‌دهد و بدله آن‌ها را می گیرد. در نتیجه برای او نه‌تنها عمل نیکی نمی‌ماند که بر کفه اعمال بدش در ترازو سنگین‌تر هم می‌شود. پس در جهنم انداخته می‌شود و مفلس حقیقی همین است.

** بی‌بی عایشه (رضی الله عنها) در وصف اخلاقی پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) می‌گوید: «کان أحسن الناس خلقا، لم یکن فاحشا ولا متفحشا، ولا صخابا فی الأسواق، ولا یجزی بالسیئة السیئة، ولکن یعفو ویصفح؛ خوش‌خوترین مردمان بود؛ نه دشنام می‌داد و نه بدزبانی می‌کرد و نه در کوچه و بازار هیاهو به راه می‌انداخت و نه بدی را به بدی جبران می‌کرد، بلکه می‌بخشید و گذشت می‌کرد.»

** باید دانست که این پرهیز از دشنام و کلمات سخیف خاصه دوستان و آشنایان نیست، بلکه حتی از دشنام دادن به دشمن نیز باید پرهیز نمود و در حق زنان و افراد قومیت‌ها و مذاهب دیگر از استعمال کلمات رکیک و زشت پرهیز نمود.

قرآن کریم و حکیم نیز برای اجتناب از الفاظ صریح فحش برای جماع و نزدیکی از تعبیرات کنایی مانند ملامسه، رفث، تغشی، مباشرت و... استفاده نموده است تا به مسلمانان این درس مهم را بدهد که از فحش بپرهیزند. با وجود این‌همه حدیث و پیام قرآنی، معلوم نیست چرا مردم و حتی بعضاً افراد به‌ظاهر دین‌دار از دشنام دادن دیگران پرهیز نمی‌کنند، بلکه چنان به‌راحتی کلمات فحش و رکیک بر زبان می‌آورند که گویی سخنی عادی گفته باشند. وقتی کلان‌ها چنین باشند، نباید انتظار داشت که خوردها و کوچک‌ترها ادب و اخلاق مناسب و صحیح را یاد بگیرند. باید دانست که این پرهیز از دشنام و کلمات سخیف خاصه دوستان و آشنایان نیست، بلکه حتی از دشنام دادن به دشمن نیز باید پرهیز نمود و در حق زنان و افراد قومیت‌ها و مذاهب دیگر از استعمال کلمات رکیک و زشت پرهیز نمود.





ملا منان د اکبر خان او ایوب خان پر پلونو

د شهید ملا عبدالمنان اخند د ویاړ من شهادت د دوهم تلین په مناسبت

✍ سید شریف

دګڼو رسنیو سرخط دی چې دهلمند لپاره دطالبانو والي ملا عبدالمنان اخنددیرغلګرو په ډرون حمله کې شهید شوی. دملا عبدالمنان دفراق خبر دردونکی دی،ځکه نوموړي ددین او وطن په ننګه ډیرې ستړیاوي او بې خوبۍ وزغملې، په پوره متانت، شجاعت او تدبیر سره یې دیرغلګرو ډیرې حربې او حملې شنډې کړې او دافغان ولس دخپلواکۍ ګټلو رواني جګړې بیرغ یې رپاند وساته.

هلمند کې جهادي مقاومت دملا عبدالمنان په مشري ددغه ولایت له ۹۵ سلنې یرغلګر او حکومتي ځواکونه وشړل. پرمفتوحه سیمو یې ولکه داسې ټینګه کړه چې داشغالګرو او حکومتي قواوو دپرله پسې پراخو هوایي او ځمکنیوعملیاتو سربیره یې هم یوه لویشت شاتګ ونه کړ. ملا منان ددښمن په منځ کې هم ډیر نفوذ درلود، په مرکز لښکرګاه کې یې ډیر داسې تکتیکي بریدونه وکړل چې دښمن ته یې خوار درنې ضربې ورکړې.

دوه کاله ورانديې یرغلګرو هلمند کې دطالبانو\ مقاومتي جنګیالیو دځپلو په موخه جنرال جبار قهرمان اوپراتیفي مشر او عمومي قوماندان وټاکه. جنرال قهرمان دسنګوریانو په نوم دملېشو یو بدنام باند هم جوړ کړ، سنګوریانو دیرغلګرو په هوایي او تسلیحاتي ملاتړ دطالبانو پر ضد ډیرې جګړې وکړې،خو نه یوازې داچې کومه سیمه یې له طالبانو ونه نیوله، بلکې په هر برید کې لسګونه سنګوریان له منځه یووړل شول.

جبار قهرمان په پرله پسې ډول ملا منان ته ګوتڅڼدنې کولې، ملا منان ته په اشاره به یې ویل:« د شاه له خوا به داسې ګوزار درکړم چې بیا به راپورته نشې او ای خلکو تاسې به ډیر ژر هلمند کې یو لوی بدلون ووینۍ»،خو دوې میاشتې ورانديې د ملا منان په یوه طرحه کړې چاودنه کې دسنګوریانو مشر کمونست جنرال جبار پر ملامنان د ګوزار او هلمند کې د یو لوی بدلون ارمان ګور ته یووړ.

ملا منان دوزیر اکبر خان او ایوب خان پر پلونو:

دافغـان- انگریـز پـه لومړي جنگ کې افغـان غازیانـو دوزیـر اکـبر خـان پـه مـشري،۱٦ زره انگریـزان ووژل، یـوازې یـو افسر یـې برایـډن ژوندی ولاړ او دخپلې لویې ماتې داستان یې ترانگریزي پلازمینې ورساوه. پـه دوهـم افغـان- انگریـز جنگ کې ایـوب خـان میونـد کې زرګونـه یرغلگـر انگریـزان ووژل او دهغې امپراتـورۍ لـه خېټې یې دافغانستان دتسخیر بادونـه او خیالونـه وایستل چې لمر نـه پکې ډوبیده.

ملامنـان هغـه اتـل و چې یوویشـتمه پیـړۍ کې یې دافغـان- انگریـز+ امریکـې او.... صلیبـي نـړۍ جگـړه کې زرګونـه یرغلگـر پوځیـان مـردار او ټپیـان کـړل. هلمنـد کې دملامنـان پـه مـشري مقاومـت دیرغلگـرو امریکایانـو او برتانویانـو زور اوبـه کـړ. لسګونه زره یرغلگـرو عسکرو پـه یـوه وخت هلمنـد کې دطالبانو ۱ مقاومـت کونکوپـر ضـد عملیـات تـرسره کـړل، خـو هـر ځـل لـه پـوره تلفاتـو او زیانونـو سره بیرتـه خپلـو اډو تـه وتښـتیدل. دمـلا منـان تـر قومانـدې لانـدې افغـان غازیانـو یرغلگـرو انگریزانـو او امریکایانـو تـه خـورا سـتر ځـاني او مـالي تاوانونـه ورسـول. آن داچې انگریزانـو دهلمنـد یـوه ولسـوالي(سـنګین) لـه دوزخ سره تشـبیه کـړه او سـنګین یـې لومـړۍ نړیوالـه جگـړه کې د تلفاتـو لـه املـه دسـتالینګراد سره مشـابه او سـنګینګراد ونوماوه.دیرغلگـرو داعـتراف پـه اسـاس هلمنـد کې تـر زر ډیـر اشـغالګر وژل شـوي دي.

اشـغالګرو او کابـل رژیـم دمـلا منـان دلـه منځـه وړلـو، تـرور او جرحـه کولـو ډیـرې هڅـې وکـړې، خـو پـه پرلـه پسـې ډول لـه ناکامـۍ سره مـخ شـول. سي آی اې،ایم،آی ٦ او دکابـل اداري استخباراتو پرله پسـې زحمـت وکیښ چې مـلا منـان دطالـب مشرتابه څخـه نـاراض وښـیې، دنومـوړي پـه نامـه یـې ډیـرې جعـلي اعلامیـې خپـرې کـړې،خـو مـلا منـان بـه هـر ځـل ددښـمن پروپاګنـد پـه خپـل ږغ سره مسـخره او درواغ ثابـت کـړ.

ددښـمن لـه لـوري دهمـدې ډول یـوې اعلامیـې پـه اړه ملامنـان دالامـاره لـه خبریـال سره یـوه مرکـه کې وویـل چې: «نـه یـوازې داچې زه دامـارت لـه مشرتابه څخـه نـاراض نـه یـم، بلکـې کـه بـل څـوک دامـارت خـلاف څـه کـوي، اول بـه یـې پـه خـبرو لـه دې کاره راګرځـوم، کنـه پـه زور بـه یـې دامـارت لـه مخالفـت څخـه منـع کـوم.»

مـلا منـان غیرتمـن، متواضع،دمشرتابـه داوامـرو فرمانبردار او د دښـمن پـه ټکولـو کې خـوار تکتیتکـي مشر و. لـه دیـن او وطـن سره دمـلا منـان پـر اخلاص، غیـرت، مدیریـت او هوښـیارۍ یـې دښـمن هـم اقـرار کـوي.

دمـلا منـان مشـهوره وینـا ده:« دامـې ارمـان دی چې وینـه مـې دالله تعالـی پـه لار کې وبهیـږي او دده عـز وجـل پـه لار کې ټوټـې ټوټـې شـم.»

دمـلا منـان ارمـان پـوره شـو، ددیـن او وطـن څخـه ددفـاع پـه لار کې یـې ځـان قربـان کـړ،مـلا منـان لـه فـاني دنیاګـۍ دابدیـت پـه لـور وکوچید،مـلا منـان پـه داسي ډول لـه مـوږه ولاړ چې دکایناتـو خالـق جـل جلالـه یـې پـه اړه فرمایـي ، مـړ یـې مـه بولـئ، ژونـدی دي، صرف تـاسي نـه پـرې پوهیـږئ.

مـلا منـان ټـول ژونـد دخدای جـل جلالـه پـه لار کې تېـر کـړ او پـای یـې دهمـده جـل جلالـه پرخـوښ کـړي دیـن(اسـلام) خپـل سر نذرانـه کـړ.

کـه څـوک جرئتمندانـه اعـتراف کـوي او یـا پـه عارفانـه تجاهـل سره زمـوږ دویاړمـن تاریـخ دمسـخه کولـو هڅـه کـوي،دا یـو واقعیـت دی چې شـهید مـلا عبدالمنـان اخنـد دافغـان ملـت ویـاړ دی، دیرغلگـرو او وطـن پلورونکـو د سـترګو خـار و،او دافغانسـتان دخپلواکـۍ یـو ریښـتنی اتـل و.

اللـه تعالـی دې دملامنـان او ټولـو شـهیدانو دوینـو او زحمتونـو پـه برکـت ژر تـر ژره ګـران افغانسـتان ازاد او د یـو اسـلامي حکومـت څخـه برخمـن کـړي. امین





به سوی ارزگان

(قسمت پنجم و اخیر)

✍ وحید روستایی

در قسمت قبلی این نوشته خاطرهٔ از «شنه کلا/ قلعهٔ سبز» را با دوستان در میان گذاشتیم، از زیبایی‌هایش گفتیم و همچنان روی مهمان‌نوازی افغان‌ها مکثی داشتیم، در این قسمت می‌خواهیم ادامه آن را بنویسیم.

شب را با آرامی در «شنه کلا» گذراندیم؛ خواب شیرین که عروسان اگر از لذتش خبر بیابند غبطه‌اش را خواَهند خورد. اگرچه ترک دیار و گذاشتن خانه و کاشانه مشکلات خود را دارد و انسان بر مبنای انسان‌بودن و داشتن ضعف ذاتی تحملش را سخت می‌پندارد ولی سفر به خاطر جهاد و یا به خاطر طلب علم ثواب بزرگ دارد؛ رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «تَضَمَّنَ اللهُ لِمَنْ خَرَجَ فِي سَبِيله، لا يُخْرِجُهُ إلا جِهَاداً فِي سَبِيلِي، وَإِيمَاناً بِي، وَتَصْدِيقاً بِرُسُلِي، فَهُوَ عَلَيَّ ضَامِنٌ أَنْ أُدْخِلَهُ الجَنَّة، أَوْ أُرْجِعَهُ إِلَى مَسْكَنِهِ الذي خَرَجَ مِنْهُ، نَائِلاً مَا نَالَ مِنْ أَجْرٍ أَوْ غَنِيمَة». ترجمه: الله چنین تضمین نموده برای کسی که در راه او بیرون آید و او را چیزی جز جهاد در راهم و ایمان به من و تصدیق به فرستادگانم، بیرون نکرده باشد. پس او ضامن است که او را به بهشت داخل کنم، یا اینکه او را همراه مزد یا غنیمت به منزلی که از آن برآمده بازگردانم.

شاعر می‌گوید:

فإن قيل في الأسفار هم وكربة
وتشتيت شمل وارتكاب الشدائد
فموت الفتى خير له من حياته
بدار هوان بين واش وحاسد

ترجمه شعر: اگر گفته شود که سفرها با غم و سختی‌ها همراه‌اند، (در جواب بگو) مرگ جوان برایش بهتر از این است که با ذلت و زبونی در میان سخن‌چینان و مفسدان زندگی کند.

صبح وقت چای را نوشیدیم و با دوستان خود حرکت کردیم، هرقدر از «شنه کلا» دور می‌شدیم، محبتش در دل‌هایمان بیشتر می‌شد. تا رسیدن به مرکز ارزگان از چندین بازار گذشتیم. بازارهای کوچکی که مردم برای حل مشکلات خود ساخته بودند و باوجود خورد بودن بازارها تمام ضروریات مردم در آن مرفوع می‌شد. پس از چند ساعت سفر در یک مسیر طولانی و طاقت‌فرسا بالاخره به مرکز ارزگان رسیدیم. حافظ عبدالله (نام مستعار) میزبان ما بود.

حافظ عبدالله سال‌های طولانی را در جهاد سپری کرده و سختی‌های زیادی را در راه جهاد متحمل گردیده بود. برایم از دشواری‌های روزهای اول جهاد قصه می‌کرد، از فقر مجاهدین، از گرسنگی‌های که در سنگر می‌کشیدند، از نبود آب و از دیگر مشکلات. او در ادامه سخنانش روزهایی را یادآور شد که آن‌ها اکنون در آن قرار دارند و در چند کیلومتری ترینکوت مراکز جهادی افراز کرده‌اند و هرازگاهی بالای دشمن عملیات به راه می‌اندازند؛ ادامه سخنان حافظ صاحب این سخن را در ذهن انسان می‌آورد:

وَلا بُدَّ لِلَّيْلِ أَنْ يَنْجَلِي: وَلا بُدَّ لِلقَيْدِ أَنْ يَنْكَسِر
وَمَنْ يتهيب صُعُودَ الجِبَالِ: يَعِشْ أَبَدَ الدَهرِ بَيْنَ الحُفَرْ

ترجمه: ظلمت و تاریکی شب را پایانی است و قیدهای زندان حتماً شکسته خواهند شد. (اما) کسی که از بلند رفتن به تارک کوه‌ها - رسیدن به بزرگی و عزت - می‌ترسد، همیشه در عمق گودال‌ها و دره‌ها زندگی خواهد کرد.

قصه‌های حافظ صاحب طولانی و پرکشش بود ولی ما به مقصد دیگری در حرکت بودیم و باید می‌رفتیم. نان شب را صرف کردیم و با دوستان خویش به حرکت افتادیم. دو تن از دوستان حافظ صاحب به‌عنوان راهنما در جلو ما سوار بر موتر سیکل در حرکت بودند. حرکت موتر، جمپ‌ها و صدای ترانه جهادی برای مسافری که ماه‌ها از خانه دور باشد حس عجیبی می‌دهد و اگر صادقانه بگویم سختی‌های راه جهاد اگر با اندکی سهولت‌ها همراه باشند حلاوت دیگر دارد و این مسئله را در یک موضوع جداگانه قبلاً به دوستان و خوانندگان مجله «حقیقت» نوشته بودم.

در تاریکی شب متوجه موتر سیکل راهنما شدم. آن‌ها اشارهٔ سمت راست موتر سیکل خویش را به‌رسم نشانی روشن گذاشته بودند تا ما راه را غلط نکنیم. من با دقت هرچه بیشتر به آن خیره شدم و نمی‌دانم در ذهنم چه می‌گذشت. در این اثنا دوستان موتر سیکل سوار صدا زدند که موتر را ایستاد کنید چاپه است. چاپه ...

حملات شب هنگامی را که اشغالگران با همکاری مزدوران داخلی خود انجام می‌دهند «چاپه» می‌گویند. چند لحظه گذشت، شاید هم چند ثانیه‌ای؛ صدای غرش طیارات فضا را در هم پیچید. از موتر پیاده شدیم و به باغی داخل شدیم. باغ بزرگی بود که درختانش مثمر احساس می‌شدند. ولی در آن ظلمت شب نمی‌دانم که کدام نوع درختان در آن وجود داشت.

اشغالگران وحشی برای شکستن روحیه مردم و مجاهدین شب‌هنگام با طیارات خویش به مصاف مجاهدین می‌آیند، آن‌ها خود معترف‌اند که نتوانستند مجاهدین را شکست بدهند ولی ما می‌گوییم که پرواز این طیارات در نیمه‌شب‌ها بر فراز قریه‌ها و دهات اطفال و زنان را به امراض روانی مبتلا ساخته است، آمریکا و همکارانش باید به خاطر این جرم بزرگ مورد محاکمه قرار گیرند.

تجربهٔ در چاپه گیر ماندن را نداشتم، اگرچه بار دیگری در ولسوالی دشت ارچی ولایت قندوز شاهد این عملیات بودم. من و مولوی معصوم‌الله با هم نزدیک نشسته بودیم؛ و گاه‌گاهی با یکدیگر سخن رد و بدل می‌کردیم. تعجب می‌کنم و شاید هم این فضل و رحمت خداوند باشد. در آن شب ظلمانی که صدای غرش طیارات گوش‌ها را می‌خراشید و صدای بمباران خواب را از چشم می‌ربود خوابم برده بود. مولوی معصوم‌الله صدایم زد که برخیز برویم چاپه ختم شد. برخاستم. هیچ ترسی در دلم راه نیافته بود و در آن شب هرگز به مرگ فکر نمی‌کردم.

گاهی با خود می‌اندیشم که چرا در جهاد علیه آمریکایی‌ها شهید نشدم. باری حاجی عبدالرحیم تقبله‌الله برایم قصه کرده گفت: (بالای معسکر ما بمباران شد. در آن حادثه تمامی دوستان ما به‌جز من و چند تن دیگر همه شهید شدند. در آن شب و در آن حال به فکر دخترانم شدم و با خود گفتم که کاش دخترانم را به شوهر می‌دادم و بعداً شهید می‌شدم. ای‌کاش این فکر را نمی‌کردم و ای‌کاش شهید می‌شدم. الله عزوجل نزد گمان بنده‌اش می‌باشد؛ رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «يَقُولُ اللَّهُ تَعالى: أَنَا عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِي بِي»). شاید هم من از صدق دل آرزوی شهادت نکرده باشم؛ و آرزویم همین است که با کفن خون‌آلود با رب العلمین ملاقات کنم.

شب را در همان نزدیکی‌ها در یک مسجد گذراندیم. حسب معلومات، اشغالگران وحشی در آن شب دو فرد ملکی را شهید کرده بودند و چند تن دیگر را زخمی و به مجاهدین امارت اسلامی هیچ نوع آسیبی نرسیده بود. اگرچه شاید راپورهای رسانه‌های مزدور طور دیگری باشد. آن‌ها تعداد تلفات را با گردش طیارات حساب می‌کنند؟! و اخبار را از دهان دروغ‌گویان به نشر می‌رسانند و منابعشان هم چون خودشان اوباشان دروغ‌گو هستند.

در اخیر از الله عزوجل امید دارم که بنده را توفیق عطا فرماید تا بتوانم با این قلم شکسته خود قهرمانی‌ها، شاهکارها و فداکاری‌های این ملت بزرگ را، اعم از مردان، زنان و اطفال به جهانیان انعکاس دهم تا آن‌ها از شجاعت و بهادری آن‌ها آگاه شوند؛ قلم‌زدن در چنین مواردی جالب، خوش‌آیند و درخور اهمیت است، نوشتن دربارهٔ شاهکارهای یک ملت در حقیقت نوشتن تاریخ است، نوشتن تاریخ یک ملت از مصادر دقیق دینی بر گردن نویسندگان می‌باشد و آرزو دارم که نویسندگان دیگر هم برای قلم‌زدن در چنین مواردی آمادگی بگیرند؛ و من الله التوفیق. پایان





بخش دوازدهم

پرسش‌ها و پاسخ‌های شرعی

تقدیم: واحد ترجمه و تحقیق مجله
مأخذ: سایت اسلام - بخش دارالافتاء

آیا برای مجاهد گرفتن کمک مالی رواست؟

الاستفتاء: محترم مفتی صاحب! اگر مجاهدی بر ضد اشغالگران و یا غلامانشان به جهاد می‌رود و کسی به آن مجاهد زکات می‌دهد و یا دیگر کمک مالی می‌کند، آیا آن را گرفته می‌تواند؟ و آیا با این کار از اجر وی کاسته می‌شود؟ همچنان اگر یک دلگی مشر، یا ولسوال و یا والی پول بدهد چه حکم دارد؟ بینوا توجروا

الجواب: حامدا و مصلیا و بعد: بلی، اگر مجاهدی به سفر جهاد می‌رفت، گرفتن هرگونه کمک مالی به شمول زکات برایش روا است. او اختیار دارد که با آن کمک، نفقه‌ی خانواده‌اش را تهیه کند و یا اسباب و امکانات جهاد می‌خرد.

کمک مالی با مجاهد و یا فراهم نمودن اسباب جهاد و دادن نفقه به خانواده او، چنان اجرهای فراوانی در اسلام دارد، که آن را با خرج کردن مال در راه‌های دیگر، نمی‌توان به دست آورد.

قال الله تعالى : إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا ...... وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ - ٩/٦٠ - وقال الله تعالى : وَأَنفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ ... الآية

عن عبد الله بن عمرو أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال للغازي أجره وللجاعل أجره وأجر الغازي. رواه ابوداود برقم ٢٥٢٦

وجاء في ردالمحتار (٢/٣٤٣): (قوله وهو منقطع الغزاة؛ أي الذين عجزوا عن اللحوق بجيش الإسلام لفقرهم بهلاك النفقة أو الدابة أو غيرهما، فتحل لهم الصدقة وإن كانوا كاسبين إذ الكسب يقعدهم عن الجهاد).

كذافي الطحطاوي ٢٧٦/٣ ومجمع الانهر ٣٢٧/١

فى شرح السير الكبير ٢٧/١ أن الصرف إلى فقراء المجاهدين أولى من الصرف إلى غيره م لان فيه معنى الصدقة والجهادوإيصال منفعّة ذلک إلى جميع المسلمين بدفع أذى المشركين عنه مبقوته وفيه أن ترک الجهادوترک إعانّة المجاهدوالخيانّة للمجاهدفى أهل ہ لاتجتمع إلافى نافق آه.

وقال في الشرح الكبير (٢/٧١٣): (مسألة ؛ والغازي ما يحتاج إليه لغزوه وإن كثر، فيدفع إليه قدر كفايته، وشراء السلاح والفرس إن كان فارساً، وحمولته ودرعه وسائر ما يحتاج إليه لغزوه وإن كثر، لأن الغزو إنما يحصل بذلك).

والله تعالى اعلم

اگر یک عسکر تائب و تسلیم شود

الاستفتاء : محترم مفتی صاحب ! اگر یک‌تن عسکر از صف دشمن جدا شود و توبه کند، در خانه بنشیند و یا به وطن دیگری هجرت کند و ضررش به کسی نرسد، آیا اگر مجاهدین او را دستگیر کنند، جزا داده می‌توانند؟

الجواب: حامدا و مصلیا و بعد : اگر این کس صادقانه از عمل شوم خود توبه کرده و سپس هجرت کرده باشد، مجاهدین هیچ‌گونه ضرری به او رسانیده نمی‌توانند.

قال الله تعالی : لَا تَقْنَطُوْا مِنْ رَّحْمَةِ اللّٰهِ-اِنَّ اللّٰهَ يَغْفِرُ الذُّنُوْبَ جَمِيْعًاۗ-اِنَّهٗ هُوَ الْغَفُوْرُ الرَّحِيْمُ - الزمر ۵۳

وقال الله تعالی : فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَنُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ - التوبه ۱۱

و قال رسول الله صلي الله عليه وسلم : التائب من الذنب كمن لا ذنب له، «باب الاستغفار»

والله تعالی اعلم

اگر مردم از مال غنیمت ببرند

الاستفتاء: محترم مفتی صاحب! مجاهدین ما یک قرارگاه را فتح کردند، اما هرگاه طیارات اشغالگران به منطقه آمدند ما در یک جا خاموش نشستیم، زمانی که طیاره‌ها پس رفتند، مردم ملکی پیش از ما رفتند و بعضی چیزهای قرارگاه را بردند. سؤال این است که آیا ما شرعاً حق داریم که آن چیزها را از مردم پس بگیریم؟ (المستفتی فرحان الله)

الجواب : حامدا و مصلیا و بعد: غنیمت خصوصیت این امت و بهترین مال به‌حساب می‌رود. مالی که در جنگ از نزد اشغَالگران و یا غلامانشان گرفته شود غنیمت است، و غنیمت حق آن مجاهدین است که در جنگ حقیقتاً و یا حکما شریک باشند و دیگران در آن مال حق ندارند. و اگر دیگران از آن مال ببرند بر آن‌ها لازم است که پس به مجاهدین بسپارند و سپس اگر سوی امیر مجاهدین پس از تقسیم، از خمس آن برای آن مردم داده می‌شد، روا است.

و قال الله تعالی : وَمَنْ يَّغْلُلْ يَاْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ- آل عمران ۱۶۱

وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ...فلم تحل الغنائم لاحدمن قبلناذلك بان رئى ضعفنا وعجزنا فطيبها لنا. متفق عليه .

وفي الهندية ۲۱۷\۲ وغل رجل شيئا من المغانم ولم يأت به الابعدماقسمت الغنائم وتفرق اهلها فللامام ان يصدقه فيماقال ويأخذمنه ويخمسه ويصرف الخمس الى الفقراء ويمسک الباقي حتى يجئ مستحقوه ....

والله تعالی اعلم

جهاد یا تدریس؟

الاستفتاء : محترم مفتی صاحب ! من یک عالِم مدرس هستم و در منطقه ما دیگر عالم مدرس نیست. اگر من به جهاد بروم درس و تدریس ترک می‌شود و طلبا هم از درس محروم می‌شوند، من چه باید بکنم و کدام عمل را ترجیح بدهم؟ اگر در این مورد رهنمایی بفرمائید.

جواب : حامدا و مصلیا و بعد: در کتاب‌های فقه ما آمده است که اگر جهاد فرض عین باشد و یا امیر اعلانِ نفیر عام بکند، پس جهاد بر مرد و زن فرض است و دیگر همه کارها ترک می‌شود.

البته، اگر اعلان نفیر عام نشده باشد و یا جهاد فرض کفایی باشد، پس عالم مدرس در صورت مذکوره باید به جهاد نرود. زیرا تدریس نیز برای قیام و ثبات دین می‌باشد و اگر آن عالم برود سبب ضیاع دین می‌گردد.

لمافي الهندية ۱۹۰\۲ عالم ليس في البلدة واحد افقه منه ليس له ان يغزو لما يدخل عليهم من الضياعة الخ .

ومثله في السراجية ص\۲۹۱

ومثله في ردالمحتار ۲۰۰\۶

والله تعالی اعلم



صفحه ویژه شیربچه‌های هندوکش

ترتیب: (به‌صورت میهمان) سعید هروی

اخلاق خوب

اخلاق یک چیز ذاتی در انسان‌هاست اما مسلمان‌ها بیشتر از همه انسان‌ها مکلف به رعایت آن است. چون دین مسلمانان دین اخلاق است. پیامبر عزیزشان صلی‌الله علیه وسلم نمونهٔ اخلاق والای انسانی است. قرآن شریف کتاب اخلاق است. شاگردان رسول مقبول صلی‌الله علیه و سلم همه در صفات اخلاق زبانزد عام و خاص بوده و هستند. توصیهٔ نبی اکرم صلی‌الله علیه و سلم به همه پایبندی به اخلاق است. نوجوانان از همه بیشتر باید در زمان طفولیت و نوجوانی تمرین اخلاق کنند. از والدینشان بپرسند اخلاق خوب یعنی چه و چگونه می‌توانند انسان شریف و صاحب اخلاق شوند.

صداقت و راست‌گویی

از صفات نیک یک مسلمان صداقت و راست‌گویی آن است. مسلمان باید همیشه صادق و درست‌کار باشد. از دروغ و خیانت به دور باشد. طفل مسلمان از همه جهت باید در فضای سالم مسلمانی درس صداقت و راست‌گویی را بیاموزد و همواره آن را آویزهٔ گوش خود کند. به راست‌گویی عادت کند و خود را عادت بدهد. طفل مسلمان همیشه باید راست‌گو باشد و راست‌کردار باشد. نه کسی را فریب بدهد و نه کسی را طعنه دهد و نه به کسی حرفی بزند که سبب آزار آن شود.

امانت‌داری

امانت‌داری از صفات خوب یک مسلمان است. طفل مسلمان باید یاد بگیرد چگونه در خانه و اجتماع امانت‌دار باشد. چگونه تعامل نیک با اطرافیان داشته باشد. در امانت‌داری رعایت حال طرف که به او چیزی به امانت سپرده را به‌جا بیاورد. نگذارد که در امانت خیانت شود. طفل مسلمان امانت‌داری را دوست دارد چون خدا آدم امین را دوست دارد و چون پیامبر نازنین اسلام صلی الله علیه و سلم به محمد امین مشهور بود چه خوب است که طفل مسلمان به صفات ارزشمند رسول خدا صلی‌الله علیه و سلم خود را متصف بسازد.

وفاداری به عهد و پیمان

وفاداری به عهد و پیمان از صفات نیک یک مسلمان است. یک مؤمن وقتی بسیار خوب است و کامل است که وفادار به عهد و پیمان باشد. سخنی که می‌گوید به آن عمل کند. طفل مسلمان هرگاه به پدر و مادر خود، به برادر و یا خواهر خود، به صنفی و دوستان خود وعده بدهد به وعدهٔ خود عملِ می‌کند وعده را وفا می‌کند چون می‌داند وفاداری به عهد از صفات نیک یک مسلمان است. مثلاً اگر پیمان بدهد ترک دروغ کند، یا کدام عادت که از نگاه شریعت اسلامی بد و ناپسند است طفل مسلمان طبق پیمان خود به آن عادت هیچ‌وقت برنمی‌گردد تا خدانخواسته خداوند ناراضی نشود.

تلاوت قرآن کریم

جوان و طفل مسلمان علاقه وافر به قرآن مجید دارد. طفل مسلمان بسیار تلاش می‌کند که قرآن شریف را خوب یاد بگیرد. قرآن شریف را صبح و شام تلاوت کند. الفاظش را صحیح تلفظ کرده بخواند. تجوید یاد بگیرد. در ترجمه آیات دقت بکند. طفل مسلمان وقتی کلام خدا را به دست می‌گیرد هیچ‌چیز مثل کلام خدا برایش عزیز نیست و هیچ‌چیز در زندگی از داشتن کلام خدا دوست ندارد. طفل مسلمان وقتی آیهٔ از قرآن شریف می‌خواند با خود فکر می‌کند چقدر خداوند او را دوست داشته که به او لطف نموده و کلامش را به او یاد داده و در قلبش مهر و محبت قرآن شریف را گذاشته است.

مبادرت به سلام گفتن

در جامعهٔ اسلامی سلام گفتن یک سنت بسیار پسندیده است. خورد و کلان به همدیگر سلام می‌گویند سلام دعای سلامتی یک مسلمان است که در حق برادر خود می‌کند. طفل مسلمان یاد می‌گیرد که در خانه از همه اول بر اهل خانه سلام بگوید در بازار، مسجد، مدرسه، مکتب و هرکجا که چند مسلمان را ببیند کوشش می‌کند اول او سلام بکند. طفل مسلمان یاد می‌گیرد که چگونه سلام بگوید و کدام الفاظ صحیح سلام است. او یاد می‌گیرد که باید سلام را کامل بکند. سلام کامل یعنی جملهٔ «السلام علیکم و رحمت اللّه و برکاته» را بسیار زیبا تمرین کرده و یاد می‌کند تا در گفتن آن دچار مشکل نشود. طفل مسلمان از پدر و مادر نازنین خود یاد می‌گیرد که سلام گفتن به همنوع چقدر عمل پسندیده و نیکو است.



بخش بیست و سوم

زندگان جاوید

مرتب: حبیبی سمنگانی

شهید حاجی داملا محمد سرور ظریف – تقبله الله –

دنیا محل امتحان الهی است. الله متعال به شمول انسان مخلوقات زیادی را خلق نموده است. مکلفیت و مأموریت انسان این است که طبق احکامات الهی زندگی خود را به‌پیش ببرد تا اینکه بتواند رضایت الله متعال را به دست آورد. با توجه به احادیث نبوی - صلی‌الله علیه و آله و سلم - بهترین انسان‌ها کسانی‌اند که با مخلوقات خداوند رفتار خوب داشته باشند. رسول‌الله - صلی‌الله علیه و آله و سلم – می‌فرماید: الخلق عیال الله فاحب الخلق الی الله من احسن الی عیاله. مردم به منزله خانواده الله متعال هستند. در میان مردم محبوب‌تر کسی است که با مردم نیکی کند. کسی که ما امروز زندگی‌نامه‌اش را می‌خوانیم از انسان‌های خوشبختی است که الله متعال صفات خوبی برایش ارزانی داشته است. شهید حاجی داملا سرور - تقبله الله - ازجمله کسانی بود که هیچ‌کس از او خاطره بدی ندارد. اعضای خانواده، هم‌سنگران، مسئولان، مجاهدین، رفقای مدرسه، دوستان سفر و همه از او به‌خوبی یاد می‌کنند.

شهید حاجی داملا سرور فرزند خلیفه بهاؤلدین قل در سال ۱۳۴۲ هجری شمسی مصادف با ۱۹۶۳ میلادی در یک خانواده متدین و مجاهد پرور در قریه قره غویلی ولسوالی المار ولایت فاریاب دیده به دنیای فانی گشود. نامبرده تعلیمات ابتدایی خود را در منطقه پدری‌اش شروع نمود و سپس دو سال نزد داملا صاحب عبدالباقی در قریه سرفلیک ولسوالی المار و ٦ ماه در منطقه چغاتک این ولسوالی نزد مولوی صاحب عبدالعزیز درس خواند.

سپس برای فراگیری علوم بیشتر عازم کشور ایران شد و چند مدت در شهر مشهد آن کشور به تحصیلات خود دوام داد. پس از برگشت به کشور چند مدتی در منطقه خود مشغول امامت بود که تحریک اسلامی طالبان آغاز شد. او به‌صف طالبان پیوست و در اثنای غدر جنرال عبدالملک در ولایت جوزجان اسیر شد. پس از رهایی به ولایت هرات رفت و دران جا چند مدتی دوشادوش طالبان به مبارزه دوام داد. هرگاه طالبان دوباره ولایات شمال را

فتح نمودند، شهید ظریف به فاریاب رفت و به حیث مسئول امر بالمعروف و نهی عن المنکر ولسوالی آلمار مقرر شد. او مدت چهار سال این وظیفه را به نحوه احسن انجام داد و درعین‌حال ناظم مدرسه مرکزی ولسوالی المار نیز بود.

شهید حاجی داملا سرور خدمات ارزنده و به‌یادماندنی را در تحریک سابق طالبان انجام داد و پس از عقب‌نشینی طالبان براثر تهاجم وحشیانه امریکا و ناتو به کشور ایران مهاجر شد و تقریباً دو سال در آنجا بود. بعداً به وطن برگشت و با مجاهدین یکجا شد. سپس چند مدتی مصروف خدمات جهادی بود که در منطقه تیزنابه ولسوالی غورماچ ولایت بادغیس در یک چاپه اشغالگران آمریکایی زخمی شد و چند مدت در محبس شهر میمنه بندی ماند؛ اما او به وساطت محاسن سفیدان آزاد شد و به حیث ملا امام در منطقه خدمت می‌نمود. وی برای ادای فریضه حج عازم کشور عربستان سعودی شد در آنجا تقریباً ۳ سال زندگی نمود. سپس دوباره از سعودی به وطن آمد و چون جذبات ایمانی و احساس پاک شهید حاجی داملا سرور تقبله الله اجازه نداد که حاکمیت ظالمانه اشغالگران خارجی بر کشور اسلامی افغانستان را نادیده گرفته به زندگی عادی خود ادامه بدهد، همان بود که در سال ۱۳۹۰ به صفوف مجاهدین جان‌نثار امارت اسلامی پیوست و رسماً به مبارزه مسلحانه آغاز کرد. وی بعد از شهادت ملاصدالدرین مهدی تقبله الله چند مدت سرپرست دلگی شهید مهدی بود و مدت یک سال به حیث معاون ولسوال در ولسوالی المار و ۵ سال به حیث ولسوالی نظامی در این ولسوالی و یک سال به حیث ولسوالی نظامی در ولسوالی خیبر ایفای وظیفه نمود و در مناطق مختلف این ولایت در عملیات و تشکیلات نظامی اشتراک نمودند. در این اواخر اشغالگران آمریکایی و مزدوران داخلی‌شان چندین مرتبه بالای منطقه قره غویلی عملیات گسترده‌ای به راه انداختند، اما با مقاومت شدید مجاهدین روبرو شدند و هر بار با شکست ذلت‌بار مواجه شده منطقه را ترک کردند، سپس دشمن مشترک بالای مرکز شهید حاجی داملا صاحب از زمین و هوا هجوم آوردند؛ اما به نصرت الله متعال پوز آن‌ها به خاک مالیده شد و جواب دندان‌شکن برایشان داده شد و ۴ عسکر آمریکایی و ٦ عسکر کماندوهای اجیر به قتل رسیدند و تعدادی هم مجروح شدند و دیگر دشمن جرئت عملیات را بالای منطقه قره غویلی را فراموش کردند.

بالاخره این مرد راه حق و حقیقت و اسطورۀ سنگرهای جهاد و شهادت و سمبول تقوی، صداقت و اخلاص حاجی داملا سرور تقبله الله شام روز چهارشنبه به تاریخ ۲۰ سنبله ۱۳۹۸ هش در منطقه‌ی شمس عرب ولسوالی المار ولایت فاریاب در اثر حمله طیاره بی پیلوت اشغالگران آمریکایی همراه با ۴ تن از مجاهدین به سن ٥٦ سالگی به شهادت رسیدند.

از شهید حاجی داملا سرور تقبله الله ۲ پسر و ۳ دختر بجا ماند. پسر کلان ایشان عبدالعزیز به حیث سرپرست رفقای جهادی شهید حاجی صاحب تعیین شدند.



شهید حیات الله عمیر و شهید شراف الدین صهیب «تقبلهما الله»:

شهید حیات الله عمیر فرزند غلام سرور و شهید شراف الدین صهیب فرزند عبدالسلام این دو مجاهد که از لحاظ سن هم چندان فرقی نداشتند، بیشتر زندگی خود را باهم گذراندن و همانند دو برادر باهم زندگی می‌کردند.

ایشان در قریه گرم آب ولسوالی دولینه ولایت غور در خانواده‌های متدین و مجاهد پرور چشم به جهان گشودند.

این هر دو شهید دروس ابتدایی‌شان را نزد ملا امام مسجد آغاز کردند و بعد از مدتی هر دو به عزم درس و تعلم به ولایت هرات سفر کردند و مدت یک سال در آنجا درس خواندند.

ایشان پس از برگشت به خانه، با جهاد شوق و علاقه خاصی پیدا کردند و ازآنجایی که جهاد فریضۀ مقدس و مهم بود، هر دو با عزم راسخ وارد میدان

جهاد شدند.

عمیر و صهیب که دارای اخلاق پسندیده و چهره‌های نورانی بودند، از دلاوری و شجاعت فوق‌العاده‌ای نیز برخوردار بودند و در هر نبرد و معرکه ممتاز معرفی می‌شدند و در فتوحات بیشتر مناطق غور حضور داشتند، به‌خصوص در فتح ولسوالی تیوره نیز سهم داشتند.

ایشان دوشادوش یکدیگر چنان از عشق و علاقه جهاد و شهادت سرشار بودند که گویا دیگر شغل و کاری نداشتند. گاهی در هلمند، گاهی در هرات و بیشتر زمان در غور مشغول جهاد و مبارزه می‌بودند.

عمیر در سال ۱۳۹۸ شمسی مسئول کمربند زرتلی مربوط فیروزکوه تعیین شد و شهید صهیب هم با او همکاری می‌نمود و هر دوی‌شان خدمات ارزشمندی انجام دادند.

صهیب و عمیر که هر دو مشتاق لیلای شهادت بودند، بالاخره به آرمان والای خود رسیدند. ایشان به تاریخ ۷ ماه حمل ۱۳۹۹ شمسی درحالی‌که از هرات به‌طرف خانه در سفر بودند، در قریه تیدهٔ ولسوالی شهرک ولایت غور در حمله کمین از سوی دشمن بزدل جام شیرین شهادت را نوشیدند و به لقای همیشگی محبوب حقیقی شتافتند. نحسبهم کذالک والله حسیبهم.

(با سپاس از میر احمد شعیب که جزئیات سوانح شهید عمیر و صهیب را تهیه نمودند).



شهید داملا صبغت الله صداقت تقبله الله:

شهید داملا صبغت الله صداقت فرزند حاجی غلام نبی به تاریخ ۱ جدی ۱۳۷۳ در قریه تراغلی عربیه ولسوالی قوش تپه ولایت جوزجان در یک خانواده دین‌دار چشم به جهان هست و بود گشود.

آثار سعادتمندی او از ایام طفولیت نمایان بود. پدر گرامی‌اش او را برای آراسته شدن به تعلیمات دینی به مسجد و مدرسه فرستاد. وی مدت ده سال به فراگیری علوم قرآنی و نبوی پرداخت و از فیوضات اساتید مستفیض شد.

سپس چون داملا صداقت وحشت و ستمگری استثمارگران و دست‌نشاندگان آن را به چشم خود مشاهده می‌نمود، به هدف غلبه کلمه حق و آزادی خاک اسلام از چنگال کافران مهاجم، به‌صف حق‌پرست امارت اسلامی پیوست و دوشادوش مجاهدین راه حق و به‌خصوص تحت قیادت شهید قومندان داملا احسان‌الله طاهری به جهاد و مبارزه پرداخت.

پس از شهادت داملا احسان‌الله، داملا صداقت گروه مجاهدین را در قریه آبایی‌اش سرپرستی می‌نمود و مدت نه سال در هرگونه شرایط سخت و دشوار و به‌ویژه در جهاد برای نابودی فتنه داعش باکمال شجاعت و شهامت رزمید.

وی بالاخره درحالی‌که از ولایت غور به‌سوی منطقه خود در حال سفر بود، به تاریخ ۲۹ سنبله ۱۳۹۹ در قریه آهنگرا بر اثر تصادم موترشان با ماین جاسازی‌شده، به مقام رفیع شهادت نائل گردید. جسد شهید به منطقه پدری‌اش انتقال داده شد و دراج جا سپرد خاک گردید. تقبله الله

(با سپاس از داملا روض‌الدین صابری که جزئیات سوانح شهید را فراهم نمودند).





پیام ها و اعلامیه های رسمی امارت اسلامی افغانستان

پیام تبریکی به مناسبت ۲۵مین سالروز اعلان بی‌طرفی کشور ترکمنستان

جناب رشید مرادوف، وزیر خارجه کشور دوست جمهوری ترکمنستان

السلام علیکم و رحمت الله و برکاته!

لطفاً احترامات ما را پذیرا شوید.

من از طرف خود، امارت اسلامی و مردم افغانستان ۲۵مین سالروز اعلان بی‌طرفی کشور ترکمنستان را به جناب شما، حکومت و مردم شریف این سرزمین تبریک و تهنیت می گویم. ما از سیاست بی‌طرفانه و صلح‌جویانه ترکمنستان تقدیر می‌نماییم و برای مردم آن کشور دوست تحت رهبری حکیمانه‌ی جناب گربان گلی بیردی محمدوف، رئیس‌جمهور ترکمنستان استقرار، انکشاف و زندگی مرفه را آرزو داریم.

امارت اسلامی افغانستان از همان بدو تأسیس خویش با کشور همسایه و برادر ترکمنستان روابط دوستانه داشته و امیدواریم این علائق در آینده نیز پایدار بوده و در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، انکشافی و فرهنگی بیش‌تر گسترش یابد. والسلام

ملا عبدالغنی برادر

معاون سیاسی و رئیس دفتر سیاسی

امارت اسلامی افغانستان



پیام تسلیت امارت اسلامی به مناسبت وفات عالم جید کشور پاکستان مفتی زرولی خان رحمه‌الله

با تأثر اطلاع حاصل نمودیم که عالم جید و نامور کشور پاکستان شیخ‌الحدیث مفتی زرولی خان رحمه‌الله از جهانی فانی چشم بسته است. انا لله و انا الیه راجعون.

امارت اسلامی درباره رحلت این شخصیت معروف علمی، تأثر عمیق خود را ابراز می‌دارد و نسبت به این حادثه بزرگ به خانواده، اقارب،

متعلقین و شاگردان وی از عمق قلب تسلیت می گوید.

شیخ‌الحدیث مرحوم عالم نامدار، دلیر، غیور و جید امت اسلامی بود که وفات وی ضایعه بزرگ در عرصه علمی است. برای نامبرده از خداوند متعال جنت الفردوس و برای خانواده، دوستان و متعلقین‌اش صبر جمیل و اجر جزیل استدعا داریم.

امارت اسلامی افغانستان

۱۴۴۲/۴/۲۳ هق

۱۳۹۹/۹/۱۸ ه ش

۲۰۲۰/۱۲/۸ م

اعلامیه امارت اسلامی افغانستان در مورد کمک‌ها با مردم افغانستان در جینوا

قرار است که به‌تاریخ ۲۳و۲۴ نومبر ۲۰۲۰ میلادی کنفرانس بین‌المللی جینوا به هدف کمک با افغان‌ها برگزار گردد.

ملت مظلوم افغانستان در ایام کنونی بیش از هرکسی به کمک‌ها نیاز دارد، امارت اسلامی برای آرامش ملت خود همواره سعی نموده و به این هدف خواهان کمک‌های بی‌غرض جهانیان بوده و از آن استقبال نموده و می‌نماید و همچنان در رسانیدن آن به مستحقین همکاری لازم نموده است؛ اما اگر کمک‌ها بنام ملت و کشور جمع‌آوری شود و سپس به مستحقین نرسد، بلکه به جیب‌های اشخاص معلوم اداره کابل برود، چنانکه متأسفانه در دو دهه گذشته چنین شده و هنوز هم جریان دارد و در این مورد سازمان‌های معتبر جهانی نیز وقت‌به‌وقت به اساس ارزیابی‌هایشان راپورهایی را پخش کرده‌اند.

در این صورت (که کمک‌ها بنام ملت جمع‌آوری می‌شود و به مستحقین نمی‌رسد) امارت اسلامی نه خواستار چنین کمک‌هاست و نه هم از آن حمایت می‌کند.

بنا برین ما از جهان و تمام سازمان‌های جهانی می‌خواهیم کمک‌های که بنام ملت جمع می‌شود باید به ملت برسد.

برای اینکه این‌گونه کمک‌ها به‌گونه شفاف و عادلانه به ملت و مستحقین برسد، راه بهتر آن این است که مؤسسات جهانی باید با هماهنگی با امارت اسلامی این‌گونه کمک‌ها را توزیع کنند.

امارت اسلامی در این مورد آماده هرگونه همکاری است، این را مسئولیت خود می‌داند و این موقف خود را وقت‌به‌وقت با بعضی سازمان‌های کمک‌کننده داخلی و جهانی شریک هم نموده است.

در اخیر، امارت اسلامی از تمام آن کشورها، ملت‌ها، سازمان‌ها و اشخاص سپاسگزاری و از کمک‌هایشان قدردانی می‌کند که ملت رنج‌دیده ما را کمک نموده و در شرایط سخت به آن‌ها دست داده‌اند.

امارت اسلامی افغانستان

۱۴۴۲/۴/۳هـ ق

۱۳۹۹/۸/۲۸هـ ش ـ ۱۸/۱۱/۲۰۲۰م

اعلامیه امارت اسلامی در مورد انتخابات اخیر امریکا

انتخابات و تبدیلی مقامات امریکا موضوع داخلی آن کشور است.

پیمان دوحه میان امارت اسلامی و امریکا، وثیقه خوبی برای پایان یافتن جنگ و آینده خوب هر دو کشور است.

امارت اسلامی از طرف خود به رئیس‌جمهور جدید امریکا و دولت آینده آن کشور یادآور می‌شود که تعمیل پیمان دوحه، راه خوب و مؤثر برای حل معقول منازعه هر دو کشور است.

خروج همه نیروهای خارجی از افغانستان، عدم‌مداخله در کشور ما و همچنان عدم استفاده از خاک افغانستان بر ضد امریکا به نفع هر دو

ملت و کشور است.

ما به توافق‌نامه متعهد هستیم و آن را اساس خوب برای حل معضل افغانستان می‌دانیم و این را ترجیح می‌دهیم که مشکل داخلی نیز از راه دیالوگ و مذاکرات حل شود.

امارت اسلامی در آینده به شمول امریکا با همه کشورها خواهان روابط مثبت است.

رئیس‌جمهور و دولت آینده امریکا باید به آن حلقات، اشخاص و جهت‌های جنگ‌طلب متوجه باشد که خواهان دوام جنگ هستند، امریکا را هنوز هم در جنگ دخیل نگه می‌دارند، فایده شخصی‌شان را در جریان جنگ می‌بینند و برای بقای قدرت خود تلاش می‌کنند.

امارت اسلامی افغانستان

۱۴۴۲/۳/۲۴ هـ ق

۱۳۹۹/۸/۲۰ هـ ش ۱۰/۱۱/۲۰۲۰ م



اعلامیه دعوتی امارت اسلامی به افرادی ایستاده در صفوف دشمن

به تعقیب فرمان عفو عالی‌قدر امیرالمؤمنین، به عساکر، پولیس، کارمندان استخباراتی، اربکی‌ها و تمام اشخاصی ایستاده در صفوف اداره کابل یک‌بار دیگر دعوت می‌دهیم که از جنگ و مخالفت با امارت اسلامی دست بکشند.

مجاهدین امارت اسلامی خواهان کشته شدن، زخمی شدن و ضایع شدن ایشان نیستند و ما روادار نیستیم که خانواده، پدر و مادر، زن و فرزند و دیگر اقارب ایشان بر گلیم ماتم بنشینند و عضو مهم خانواده را از دست بدهند.

اما چون این عساکر، پولیس و اربکی‌ها به خواست خود به صفوف دشمن پیوسته‌اند، بر جنگ اصرار می‌ورزند و در برابر ایجاد حاکمیت اسلامی حائل واقع می‌شوند، با مجاهدین می‌جنگند و مردم را آزار می‌دهند، بنا برین مجاهدین به‌جز از بین بردن ایشان دیگر چاره‌ای ندارند.

اگر افراد مذکور حقایق را درک کنند، از حمایت اشغال و رژیم دست‌نشانده آن‌ها دست بکشند، در هر جا، هر ولایت، ولسوالی، قریه و منطقه با مجاهدین در تماس شوند و با جرئت به آغوش مجاهدین برگردند، از طرف ما برایشان عفو است. جان، مال، و آبرویشان مصون است و کسی هیچ‌گونه ضرری به ایشان نخواهد رساند و در آینده در کشور خود زندگی آبرومندانه می‌توانند.

با پخش این اعلامیه یک‌بار دیگر به شما اطمینان می‌دهیم که افغانستان خانه مشترک همه ما و شماست. این خانه را از اشغال و عناصر مفسد، بیگانه پرور، مخالف صلح و اسلام‌ستیز نجات خواهیم داد و سپس برادروار با هم زندگی آرام و مطمئن خواهیم نمود.

بیایید، با صفوف امارت اسلامی یکجا شوید، زندگی‌تان را برای چند پول و امتیازات در خطر نیندازید، بر خانواده و اهل و فامیل خود رحم کنید و عامل دوام جنگ نگردید.

در این اواخر، صدها تن از افراد مسلح دشمن در هلمند و قندهار به آغوش امارت اسلامی پناه آوردند و از سوی مجاهدین استقبال گرم شدند، که به سبب آن تغییرات خوب و مثبت در هر دو ولایت به میان آمد و صدها روستا و مناطق وسیع از شر تفنگ‌داران شریر رهایی یافتند و باشندگان آن نفس راحت کشیدند.

به مجاهدین امارت اسلامی هم رهنمایی می‌نماییم که عساکر، پولیس و اربکی‌های را که از صف دشمن می‌برآیند به‌مثل برادرانشان بپذیرند، برای آمدنشان زمینه را مساعد سازند، استقبال کنند و در آینده برای مصون داشتن آن‌ها از هرگونه ضرر و زیان، به وعده‌ها و تعهدات خود با جدیت عمل نمایند و به امنیتشان توجه خاص داشته باشند. والسلام

امارت اسلامی افغانستان

۱۴۴۲/۳/۱۶ هـ ق

۱۳۹۹/۸/۱۲ هـ ش ــ ۲/۱۱/۲۰۲۰م

اعلامیه امارت اسلامی در واکنش به سخنان غیرمسئولانه رئیس‌جمهور فرانسه در مورد اسلام

در این اواخر، رئیس‌جمهور فرانسه مکرون سخنان غیرمسئولانه بر ضد اسلام گفته و تهمت‌زده است گویا اسلام در جهان با انزوا مواجه شده و نیاز به تغیر دارد. وی گفته است که در فرانسه بر مسلمان‌ها محدودیت‌ها وضع می‌کند و حرف‌های دیگری.

امارت اسلامی این‌گونه اظهارات رئیس‌جمهور فرانسه را تقبیح نموده و آن را موقف در برابر ملت‌ها می‌داند.

بهتر این است که نامبرده به‌جای اظهارات ناآگاهانه در برابر اسلام، دین اسلام را به‌دقت مطالعه کند و باید بر اساس معلومات نادرست از سوی حلقات دشمن، در برابر اسلام سخن نگوید و از چنان موقفی خودداری کند که خلاف امنیت جهان باشد و کین و نفرت میان ملت‌ها را برانگیزد.

این چندمین بار است که کاریکاتورهای منسوب به پیامبر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و سلم در فرانسه پخش می‌شود و بعضی حلقات شریر آن کشور تصویر نادرستی را در مورد مسلمانان پخش می‌کنند.

امارت اسلامی افغانستان

۱۴۴۲/۳/۸هـ ق

۱۳۹۹/۸/۴هـ ش ـ ۲۵/۱۰/۲۰۲۰ م



اعلامیه امارت اسلامی به مناسبت نوزدهمین سالروز آغاز اشغال آمریکایی

نزده سال پیش از امروز، امریکا دست به تهاجم ظالمانه بر کشور ما زد.

پیش از آغاز تهاجم آمریکایی، امارت اسلامی بر مبنای پالیسی صلح‌آمیز خود مکرراً مطالبه نمود که برای حل معضل باید از تعقل، تدبر و روش سالم دیپلماتیک استفاده شود؛ اما مقامات آمریکایی در آن زمان این پیشنهاد امارت اسلامی را با لهجه بسیار مغرورانه رد کردند و به تاریخ ۱۵ میزان سال ۱۳۸۰ شمسی مصادف با ۷ اکتوبر ۲۰۰۱ میلادی بر خاک ما یورش نظامی آورده تجاوز کردند.

پس از نزده سال، همه جهت‌ها به این موقف امارت اسلامی معترف شدند که معضل مذکور باید از ابتدا از راه گفتگو و تفاهم حل می‌شد و اگر آن‌وقت به پیشنهادات صلح‌آمیز امارت اسلامی جواب مثبت گفته می‌شد، از این جنگ طولانی، ظلم و وحشت، کشتار و بی‌خانمان کردن مردم بی‌دفاع ما و همچنان در چهارچوب یک اداره فاسد از زمینه‌سازی برای غصب، چور، رشوه، خیانت، فحشا، غدر، تولید مواد مخدر و صدها جرائم دیگر جلوگیری می‌شد.

امریکا، متحدین و ائتلافیانشان نیز با این‌قدر ارتکاب جرائم جنگی، بدنامی و زیان‌های جانی و مالی مواجه نمی‌شدند.

اما اینکه نوزده سال پس، برای پایان اشغال آمریکایی در دوحه مذاکرات انجام یافت و یک وثیقه و توافق‌نامه معتبر امضا شد نیز کار نیک است که باید گام‌به‌گام عملی شود و از روی آن تمام نیروهای خارجی از خاک ما بیرون شوند. باید امریکا و تمام کشورهای دور و نزدیک از مداخله در امور داخلی ما خود را دور نگهدارند تا افغان‌ها بتوانند در فضای آزاد و مستقلانه بین هم در مورد آینده کشور تصمیم بگیرند.

امارت اسلامی برای حل همه قضایا در فضای سالم کاملاً متعهد است و به جهت‌های مقابل هم تلقین می‌نماید که این فرصت را غنیمت بدانند، حساسیت موضوع را درک کنند و برای یک نظام همه‌شمول و مستقل اسلامی که خواسته همه افغان‌هاست همه دست باهم داده و دیگر موانع ایجاد نکنند. والسلام

امارت اسلامی افغانستان

۱۴۴۲/۲/۱۹هـ ق

۱۳۹۹/۷/۱۵هـ ش ـ ۶/۱۰/۲۰۲۰م

گردانده: ابوعابد

شعر و ادب

د امید غوټۍ

د امیدو هیلې غوټۍ ښکاري
پاس په افق کې مو سپوږمۍ ښکاري

داچي مسکا مو په هیواد خپره ده
دغه یو څرک د ازادۍ ښکاري

د سپین بیرغ تر حاکمیت نه لاندي
راته ارامه زندګۍ ښکاري

شمشاد به ښکلی وي په توغ د امن
پامیر به هڅک بیا له نړۍ ښکاري

د ډیډبنې بلا غبړ خپ شوی
وخت د سبا د اذان غبړ راځي

د سپیڼې سولې له شیرینې خولګۍ
زموږ د ژوند د ارمان غبړ راځي

د ازادۍ مین ولچک ماتوي
د مات ځنځیر له زندان غبړ راځي

دمصر جیل چي یی په تخت بدل شو
ماته د هغه داستان غبړ راځي

چي مو پټۍ کړي پرهرونه د تن
داسي طبیب داسي درمان به راشي

چي نفرتونه کړي په مینه بدل
داسي د مینې داعیان به راشي

چي د مرګونو جنازي اوباسي
دلته د سولې یو کاروان به راشي

د بد بینۍ طاعون به نه وي مدام
د اخوت داسي زمان به راشي

دي خوار ولس او د یتیم سلګو ته
تحفه له لوري د سبحان به راځي

زه اطمینان او بشارت درکوم
چي حاکمیت د سپین قرآن به راځي

چي ستا په مینه کي له ژونده تیر دي
هاغه د مینې مجنونان به راځي

چي د اوبو په ځای مو وینې ورکړي
ځکه سمسور افغانستان به راځي

د څو خبرو یادونه کوم
له تاسو هم دغه یوه ژمنه غواړم

زه دي زخمي پرهر پرهر هیواد یم
لیږه شان وینه ستا له تنه غواړم

زما نښتر او چنار وسوزیدل
دغه ټکور اوس له چمنه غواړم

زما غوښتنه خو له هر چا نه ده
دغه خدمت زما له مین نه غواړم

دغه ویجاړ هیواد مو کار غواړي
د خپل وجود دښمن په دار غواړي

د دي هیواد په جوړیدو کي اشر
ستا د بدن خولې په جار غواړي

چي د سیلانو په قطار کي راشو
دغه شیبه لیږ انتظار غواړي

چي د منصور عمر ارمان پوره شي
د صابر زړه دغه قرار غواړي

صابر جان محصل

بیاد شهداء گلگون کفن

زیبا ست بسی، پیکر خونبار شهیدان　　بشگفته شقایق ز گلزار شهیدان
مشکبیز بود، دشت و دمن وادی و کهسار　　از نگهت روحپرور و مشکبار شهیدان
تحسین خلایق به سلحشوری ایشان　　ازین شده با خون تن پار پار شهیدان
آزموده اند، سنگر حق، رمز وفا را　　مشهود بران صورت و رخسار شهیدان
از خون شان آبیاری شده گلشن توحید　　جریان جهاد از دم جویبار شهیدان
جانبازی شان در ره جانانه چو فرهاد　　فر وصل شیرین، وفد فداکار شهیدان
داد و ستد جان و جنان بسته به پیمان　　یاقوت و زبرجد در شموار شهیدان
ایمن ز عقوبات الهی همه یکسر　　فردوس برین قسمت و مقدار شهیدان
شافع و سپارشگراند از بهر عزیزان　　منظور الهی بود گفتار شهیدان
از یمن بهای خون شان آزادی و عزت　　سرمایه مستی همه ایثار شهیدان
مدح شهداء از حد و حصر بسکه برون رفت　　شاهد بود اسلام به کردار شهیدان
گفتا جهید مرثیه ای بهر شهیدان　　خواستار شهادت شده دلدار شهیدان

مولانا جهید



مسابقه و معما ...!

اشاره: ادارهٔ مجلهٔ حقیقت در برگهٔ شعر و ادب بخاطر تنوع و طراوت و شکوفایی استعدادهای مخاطبین و خوانندگان عزیز خود دست به اقدام و ابتکار جدید و جالب زده و برای نخستین بار با طرح سوال و معما سعی خواهد شد به کسانی که پاسخ صحیح به آدرس‌های رسمی مجلهٔ حقیقت در تویتر، تلگرام و ایمیل مجله ارسال فرمایند به رسم یادبود به قید قرعه به پنج نفر جوایزی اهداء کند.

معمای شعری:

کردند، گریفتند، رسیدند، دویدند
بدکار، نابکار، به هلاکت، بدر بند
دادند، شنیدند، و لیکن نچمیَدند
هوش از سر و تکبیر زمن و دل بدریدند

این شعر به کدام سبک و چگونه خوانده می‌شود؟

نوت: آدرس‌های مجله در پشتی مجله ذکر گردیده است.

بمباران مردم ملکی در ارغنداب (قندهار) وحشت علنی است

سخن روز:

شب ۲۲ قوس، در یک بمبارد وحشیانه رژیم مزدور کابل در منطقه ناگهان ولسوالی ارغنداب ولایت قندهار ۱۲ تن اعضای یک خانواده به شمول زنان و کودکان شهید و تعداد زیادی زخمی شدند.

در حالی‌که چهره‌های خون و خاک‌آلود کودکان بی‌گناه از یک وحشت دردناک حکایت می‌کرد، عاملان و یا هم غلامان آن‌ها از گرفتن مسئولیت آن انکار می کنند و با کمال چشم‌سفیدی این کار را هم به مجاهدین امارت اسلامی نسبت می دهند.

چند ساعت پس از بمبارد، مقامات رژیم مزدور در روز روشن دروغ گفتند و ادعا کردند که تلفات ملکی بر اثر یک موتر بمب رخ داده‌است. حال اینست که شاهدان عینی و عزیزان قربانیان با یک‌صدا می‌گویند که در محل رویداد بمبارد شده‌است.

رژیم بزدل نه تنها گناه خود را نمی‌پذیرد، بلکه مردم را هم اجازه ندادند که اجساد شهدا را برای عدالت خواهی، به گونه احتجاج با خود ببرند.

پیش ازین حمله وحشیانه، نیروهای امریکایی به دوام سرپیچی از پیمان ده حوت، به تاریخ ۲۰ قوس منطقه لاکوخیل ولسوالی ژری را بمبارد کردند، که در نتیجه ۱۰ تن شهید شدند. همچنان در بمبارد در قریه لوندیان ولسوالی دهراوود ولایت ارزگان یک خانه ملکی تخریب شد و ۱ تن شهید و ۲ تن دیگر زخمی شدند.

همچنان ارقام نشر شده از سوی کمیسیون تلفات ملکی به‌تاریخ ۲۰ قوس نشان می‌دهد که تنها در یک هفته، ۲۹ نفر ملکی در حملات دشمن کشته و زخمی شدند.

اینکه در پهلوی سرپیچی‌های ارادی از پیمان پایان اشغال، حملات بر اهداف ملکی یکبار دیگر افزایش یافته است، امارت اسلامی بر ادارات جهانی بشری و حقوقی بار دیگر صدا می‌کند که برای جلوگیری از حملات بر اهداف ملکی، مکلفیت خود را ادا نمایند و به‌خصوص بمباردمان وحشیانه دیروزی در قندهار را به جدیت تقبیح نموده و عاملان آن را محکوم نمایند.

(برگرفته از سخن روز الاماره ـ دری)

Haqiqat

Islamic, Political & Jihadi Bimonthly Magazine



آدرس شبکه‌های اجتماعی مجله حقیقت

T.me/haqiqat_mag تلگرام

Twitter.com/HaqiqatMagazine توئیتر

haqiqat_mag@yahoo.com ایمیل